

تظاهرات و اعتراضات ضد حکومتی در سراسر ایران ادامه دارد



● حرکت اعتراضی دانشجویان که از کوی دانشگاه شروع شد با پشتیبانی بخشی از جوانان

به خیابان‌ها کشیده شده است

● شعار جوانان در تبریز: نه شاه می‌خوایم نه رهبر - نه خاتمی نه اکبر

● شعار مردم رشت به دنبال یک درگیری خونین: عزا عزاست امروز - پول نفت ما زیر عباس است امروز

اعلامیه‌های هیئت سیاسی - اجرایی
شورای مرکزی سازمان فدائیان خلق ایران (اکثریت)

به حمایت از اعتراضات دانشجویی برخیزیم!

کمیته‌های حمایت

از جنبش دانشجویی را تشکیل دهیم!

دستگیری اعضا سازمان مجاهدین در فرانسه

نقض حق بنابندگی سیاسی است

در صفحه ۲

فشار اتحادیه اروپا

برای امضا پروتکل الحاقی

هفت ماده‌ای گزارش مورخ ششم ژوئن مدیرکل آژانس بین‌المللی انرژی اتمی در مورد اجرای تضمین‌های مندرج در پیمان منع گسترش تسلیحات هسته‌ای از سوی ایران را با نگرانی تعلق کرده‌اند.

وزیران خارجه کشورهای عضو اتحادیه اروپا از حکومت ایران خواستند پروتکل الحاقی به پیمان منع گسترش جنگ‌افزارهای هسته‌ای را امضا کند.

وزیران خارجه کشورهای اروپایی، که روز دوشنبه، ۱۶ ژوئن، در اجلاس در لوکزامبورگ شرکت داشتند، در عین حال حق ایران برای ادامه برنامه‌های هسته‌ای با مقاصد صلح‌آمیز را مورد شناسایی قرار دادند.

شرکت‌کنندگان در این اجلاس با صدور پیش‌نویس یک بیانیه

به تجمع زدند. شعارهای صنفی تظاهرکنندگان به سرعت به شعارهای سیاسی بدل شد. و پس بدست کوی امیرآباد راه‌پیمایی کردند. در این حال عده زیادی از مردم به آنها پیوستند. و حرکت ماشینی به سمت امیرآباد خیابان را بند آورده بود.

پس از اعتراض دانشجویان به این طرح، دانشجویان اعلام کردند که در صورت عدم توقف طرح پذیرش دانشجوی نوبت دوم دانشجویان در امتحانات ترم شرکت نخواهند کرد. شکل اعتراضات از روز سه شنبه ۲۰ خرداد عوض شد. ابتدا تعدادی از دانشجویان معترض به خصوصی‌سازی دانشگاهها در مقابل کوی دانشگاه تهران دست

دانشگاهها می‌دانند. در جلسه پرسش و پاسخی که روز ۱۹ خرداد در دانشگاه صنعتی امیرکبیر با موضوع طرح پذیرش دانشجوی نوبت دوم که با حضور دکتر توفیقی معاون آموزشی وزارت علوم، اعضای هیات رئیسه دانشگاه برگزار شد، به اعتراض دانشجویان و تجمع آنان در برابر سالن همایش منجر شد.

ادامه در صفحه ۳

نارامی و تظاهرات در تهران از زمانی اعتراضات شروع می‌شود که طرح پذیرش دانشجویان نوبت دوم مطرح می‌شود و این طرح مورد انتقاد دانشجویان قرار می‌گیرد. بر اساس این طرح دانشجویانی بدون شرکت در کنکور با پرداخت شهریه در دانشگاه ثبت نام می‌کنند و بخشی از ظرفیت

نارامی و تظاهرات در تهران

از زمانی اعتراضات شروع می‌شود که طرح پذیرش دانشجویان نوبت دوم مطرح می‌شود و این طرح مورد انتقاد دانشجویان قرار می‌گیرد. بر اساس این طرح دانشجویانی بدون شرکت در کنکور با پرداخت شهریه در دانشگاه ثبت نام می‌کنند و بخشی از ظرفیت

اعلامیه هیئت سیاسی اجرایی سازمان فدائیان خلق ایران (اکثریت)

به عملیات خودسوزی فوراً پایان دهید

بر اساس گزارش‌های منتشره، تاکنون ۶ نفر از هواداران سازمان مجاهدین خلق در لندن و پاریس در اعتراض به دستگیری گروهی از اعضا و رهبران مجاهدین خلق دست به خودسوزی زده‌اند. یک تن از آنان به نام مرضیه باباخانی بر اثر جراحات وارده جان خود را

از دست داده است. خودسوزی شیوه‌ای غیر انسانی در مبارزه سیاسی و نشانه خوارداشتن حیات انسانی و بی‌بهاشردن زندگی انسان‌ها است. خودسوزی نمود رواداشتن شدیدترین شکل اعمال خشونت هیئت سیاسی اجرایی سازمان فدائیان خلق ایران (اکثریت) - ۲۹ خرداد ۱۳۸۲

بر اساس گزارش‌های منتشره، تاکنون ۶ نفر از هواداران سازمان مجاهدین خلق در لندن و پاریس در اعتراض به دستگیری گروهی از اعضا و رهبران مجاهدین خلق دست به خودسوزی زده‌اند. یک تن از آنان به نام مرضیه باباخانی بر اثر جراحات وارده جان خود را



برای اعتراضی به حمله پلیس فرانسه تاکنون در پاریس و لندن ۷ تن از هواداران مجاهدین خود را به آتش کشیده‌اند

آغاز پایان حکومت اسلامی؟

ده روز پایانی خردادماه، ایام خیزش دوباره جنبش دانشجویی و گسترده شدن دامنه این خیزش به متن جامعه ایران بود. در این روزها، خیابانهای تهران، اصفهان، شیراز، مشهد و چندین شهر دیگر کشور ما شاهد اعتراض گسترده مردم ایران به استبداد فقهاتی بود. حکومت جمهوری اسلامی با آنکه به طور مکرر از زبان بالاترین مقام خود و نیز بسیاری از مقامات دیگر، مردم را تهدید به کاربرد مشت آهنین کرد، نتوانست مانع تکرار گردهمایی‌های اعتراضی دانشجویان و اقشار دیگر مردم در روزها و شبهای گرم خردادماه شود. لشکرکشی هزاران نفره نیروهای انتظامی و محاصره دانشگاهها توسط این نیروها، حملات وحشیانه لباس شخصی‌ها که بخشی از نیروی سرکوب حکومت را تشکیل می‌دهند و دستگیری صدها نفر از مردم، نتوانسته است به تظاهرات ضدحکومتی خاتمه دهد.

آنچه برآمد تازه جنبش دانشجویی نامیده شده است. از محیطهای دانشگاهی بسیار فراتر می‌رود. آمار دستگیرشدگان تظاهرات اخیر در تهران و شهرستانها حاکی از آن است که تنها اقلیتی از آنها دانشجویند. جنبش دانشجویی، یک عامل محرک بسیار نیرومند برای اعتراضات جاری است. اما دانشجویان دیگر تنها نیستند. روز ۲۰ خرداد، تنها چند ساعت کافی بود تا هزاران تن از مردم تهران به حمایت از دانشجویانی برخیزند که با آغاز از خواست صنفی مقابله با حراج دانشگاهها، ندای آزاد یخواهانه خود را بلند کردند و حرکت صنفی خود را به یک خیزش سیاسی رویانندند. ظرف چند ساعت، خیابانهای منطقه امیرآباد تهران مملو از مردمی شد که بر خلاف ۱۸ تیر ۱۳۷۸، چهره اعتراضات را از یک حرکت صرفاً دانشجویی به یک جنبش فراگیر در سطح جامعه تغییر دادند. تفاوت چشمگیر دیگر میان خیزش خرداد ۸۲ و قیام تیر ۷۸، این است که این بار اعتراضات علیه کلیت نظام اسلامی جهت گرفته است و نه علیه یک جناح و به سود جناح دیگر. اگر در سال ۷۸، دانشجویان هنوز می‌توانستند امیدوار باشند که حرکتشان در عقبراندن محافظه کاران از مواضعشان در حکومت موثر باشد، اگر در سال ۷۸ هنوز مجلس در دست محافظه کاران بود و اصلاح طلبان می‌توانستند حمایت میلیونها تن از ایرانیان را برای تغییر این وضع به دست آورند، امروز دیگر اکثریت ایرانیان، همانگونه که در انتخابات نهم اسفند ۸۱ نشان دادند، به هیچ یک از جناح‌های حاکم اعتماد ندارند و می‌خواهند طرحی نو دراندازند.

ادامه در صفحه ۳

در این شماره

جنبش دانشجویی اخیر؛ کداعین بی‌آمدها؟

بیزاد کریمی

در صفحه ۷

وضعیت کنونی، امیدها و نگرانی‌ها

ماشاءالله سلیمی

در صفحه ۷

آلترناتیو دمکراتیک، نیاز جامعه

منوچهر مقصودنیا

در صفحه ۸

سخنی با فعالین جنبش دانشجویی

دانش یاقربور

در صفحه ۸

زمان تغییر و تدبیر

احمد فرهادی

در صفحه ۹

وضعیت جنبش جاری و چشم اندازها

ای تحلیل جنبه‌های مختلف جنبش دانشجویی کنونی و سیر آتی حرکت‌های اعتراضی جاری در شهرهای مختلف کشور می‌کوشیم به بازتاب نظرات و ارزیابی‌های گوناگون در این زمینه بپردازیم. وضعیت جنبش جاری چشم‌انداز تحولات آتی پرسشی بوده است که از سوی نشریه کار طرح شده است و در زیر برخی پاسخ‌ها به این بس را می‌خوانید. در شماره آینده دیگر پاسخ‌های دریافتی را درج می‌کنیم.

جنبش دانشجویی اخیر؛ کدامین پی آمدها؟

بهزاد کریمی

روی دادهای سیاسی بسته به تأثیری که بر فضای سیاسی و سیر روندهای سیاسی می‌گذراند، معمولاً دوگونه‌اند. گونه نخست راکتی هستند که در جاری بودنشان منشاء اثر می‌شوند و گاه حتی اثرگذاری تعیین‌کننده و بانه دوم حرکاتی که تأثیرات آن‌ها پس از روکش کردن‌شان رخ می‌نماید. روشن است که به در اینجا سخن از رخ دادهای سیاسی بی‌تأثیر است که صورت می‌پذیرند و پایان می‌یابند تا و گوشه‌ای از پستوی تاریخ بایگانی شوند. به باور من، جنبش دانشجویی اخیر در مجموع از گونه دوم است. این جنبش با آن که به حافظ استمرار زمانی و گسترش جغرافیایی از یک سو و رادیکالیسم ضد حکام قدرت‌مدار جمهوری اسلامی از دیگر سو در بیست و چهار سال گذشته مانند نداشته و به همین اعتبار یک از کاملاً نوین در مبارزات دموکراتیک مردم ایران به شمار می‌آید، اما جنبش است هنوز حدتاً دانشجویی و به لحاظ اجتماعی متأسفانه همچنان منفرد. در شرایط نبود جنبش‌های

نسترده افشار و گروه‌های اجتماعی دیگر در میدان عمل سیاسی، و در فقدان یک آلترناتیو سیاسی نیرومند و معتبر، انتظار دگرگونی سیاسی اساسی به نیروی صرف دانشجویان بازن، انتظاری نادرست و حتی ناعادلانه است. این البته واقعیت دارد که در کشوری با سمیت جوان و نزدیک به یک و نیم میلیون دانشجو، نیروی فزاینده، پراکنده و شاداب، و پرمحافظه کار و جسور دانشجویی یکی از مولفه‌های تعیین‌کننده است، ولی به هیچ وجه نردمندانه نیست که بار همه جنبش را بر دوش جنبش دانشجویی بگذاریم و در خیال پرواز بیروزمند توسن باشیم. دانشجویان، در همین

بند از حرکت خود نیز کاری کارستان کرده‌اند. اگر در صحنه سیاسی ایران یک نیروی آلترناتیو قدرتمند و نافذ حضور می‌داشت این بحال می‌رفت که به اتکالی این جنبش پویا و نسترده و با فراخوان پاسخ‌پذیر از دیگر گروه‌های اجتماعی ذی‌سنتغ در تحولات دموکراتیک به عمل و برآمد، نیروی آلترناتیو تواند معادله قدرت را به سود خود بچرخاند و کلکی از گذار را به اجرا بگذارد. حتی اگر بریانی در حکومت وجود داشت که دغدغه حفظ نظام را نمی‌داشت و جسارت انتخاب نوین عمل نوین را دارا می‌بود، چه بسا که می‌شد روح ویژه‌ای از گذار را شاهد باشیم که از میان حکومت می‌گذشت. اما نه چنان آلترناتیوی در ابر حکومت وجود دارد و نه آن نیرو و اراده‌ای در درون حکومت.

جنبش دانشجویی اخیر از گونه دوم است. منی جنبش است که تأثیرات ژرف و گسترده بود در همه جهات را بعداً نشان خواهد داد. روشن است که چنین نگاهی به این جنبش، در خود این تحلیل را در بر دارد که حرکات اخیر دانشجویان تا ۱۸ تیر امسال یا اندکی زودتر یا برتر از آن، در شکل مستند یا منفصل، فروکش خواهد کرد. این تحلیل البته ذرادی هم از ستایش آمد سترگ دانشجویان و عظمت کار آن‌ها و گذار نیست. تا همین جا هم، کار عظیمی را بن جوانان برومند، پیش بردند. سخن صرفاً، گاه واقعی به این حرکت است و احتراز از هر گونه برخورد عواطف‌رسانانه به این جنبش و ست‌افزار کردن آن!

نخستین تأثیرات این جنبش دانشجویی، بر روی دادهای سیاسی بسته به تأثیری که بر فضای سیاسی و سیر روندهای سیاسی می‌گذراند، معمولاً دوگونه‌اند. گونه نخست راکتی هستند که در جاری بودنشان منشاء اثر می‌شوند و گاه حتی اثرگذاری تعیین‌کننده و بانه دوم حرکاتی که تأثیرات آن‌ها پس از روکش کردن‌شان رخ می‌نماید. روشن است که به در اینجا سخن از رخ دادهای سیاسی بی‌تأثیر است که صورت می‌پذیرند و پایان می‌یابند تا و گوشه‌ای از پستوی تاریخ بایگانی شوند. به باور من، جنبش دانشجویی اخیر در مجموع از گونه دوم است. این جنبش با آن که به حافظ استمرار زمانی و گسترش جغرافیایی از یک سو و رادیکالیسم ضد حکام قدرت‌مدار جمهوری اسلامی از دیگر سو در بیست و چهار سال گذشته مانند نداشته و به همین اعتبار یک از کاملاً نوین در مبارزات دموکراتیک مردم ایران به شمار می‌آید، اما جنبش است هنوز حدتاً دانشجویی و به لحاظ اجتماعی متأسفانه همچنان منفرد. در شرایط نبود جنبش‌های

وضعیت کنونی، امیدها و نگرانی‌ها

ماشاءالله سلیمی

اواخر خردادماه فصل بهار را به حق باید فریاد بیزاری دانشجویان و مردم ایران علیه حکومت ارتجاعی جمهوری اسلامی نام گذاشت و خیزش آن‌ها را نویددهنده فرارسیدن موسم آزادی از حکومت ققها دانست. اینک ۱۰ روز است که دانشجویان و مردم کشورمان حرکت اعتراضی خود را علیه تداوم استبداد مذهبی شروع کرده‌اند و علیرغم بگیر و بندها و ضرب و شتم آن‌ها توسط انصار سازمان‌دهی شده از سوی دستگاه ولایت ققیه، به تظاهرات خویش ادامه می‌دهند.

طی این مدت تظاهرات دانشجویی و مردمی که ابتدا از تهران شروع شد و سپس به اکثر شهرهای ایران گسترش پیدا کرد، برخلاف ادعای خاتمی که مدعی شد «در ایران هیچ خبری نیست» (البته بعد از یک هفته سکوت)، میهن ما را به یکی از خیرسازترین نقاط جهان تبدیل کرد. اگر ۹ اسفند ۸۱ را «نه» بزرگ مردم در شکل خاموش به مجموعه حاکمیت بدانیم، می‌توان تظاهرات خیابانی و دانشگاهی، دانشجویان و مردم را سرآغاز بیان آشکار بیزاری آنها از استبداد و تلاش آن‌ها برای برکناری رژیم دانست.

در بسیاری از شهرها دانشجویان و مردم شرکت‌کننده در تظاهرات، طی شعارهایی نظیر «نه شاه، نه رهبر، نه خاتمی نه اکبر» و «آزادی، استقلال، جمهوری فدرال» عزم خود را به مبارزه فعال برای استقرار دموکراسی در میهن مان اعلام و بدین وسیله نشان دادند که جامعه ما امروز به چنان سطحی از رشد خود رسیده است که از یک سو هیچ‌گونه ماساها را با مجموعه حکومت برنی‌تابد و از طرف دیگر آلترناتیوهای را نیز که منجر به حاکمیت فردی شود، نخواهد پذیرفت.

از نظر زمانی نیز خیزش دانشجویان و مردم دارای اهمیت جدی است. زیرا این خیزش هم‌زمان با سناریویی بود که به سردمداری فرانسه، آلمان، انگلیس و روسیه و با همراهی ضمنی کالین پاول وزیر امور خارجه آمریکا تهیه شده بود که می‌بایستی توسط تیم رفسنجانی به مرحله اجرا درآید و مذاکراتی نیز در آتن و سایر جاها، مستقیم و غیرمستقیم ابوزیسیون در کلیت خود، دریافت ک چه میزان در تأثیرگذاری بر روند جنبش و روی دادهای سیاسی جوشیده از دل جامعه علیه حکومت و برای دموکراسی، کم‌توان است. این جنبش، تکانه بزرگی در صفوف ابوزیسیون پدید آورده و خواهد آورد و آن را در بوته آزمون قطعی و نهایی قرار خواهد داد. اما مهم‌تر از آن، کاملاً قابل پیش‌بینی است که نیروها و سیاست‌های تازه‌ای، از دل همین جنبش دانشجویی جوانه بزنند و جامعه را با پدیده‌های نوینی روبرو کنند.

و بالاخره تأثیر این جنبش نقش‌آفرین را باید در عرصه بین‌المللی دید. دولتمردان اروپایی در شرایط رقابت - اتحاد با واشنگتن که اکنون می‌رود در ایران کانونی شود، نمی‌توانند پارامتر جنبش اعتراضی مردم ایران به حکومت را نادیده بگیرند. کاخ سفید نیز که درگیر اختلاف روش و تاکتیک در قبال جمهوری اسلامی است، مسلماً وجود پتانسیل اعتراضی نیرومند در مردم ایران علیه جمهوری اسلامی را در تعیین سیاست قطعی خود دخالت خواهد داد و احتمالاً آن سیاستی که به دخالت نظامی در ایران تمایل دارد فعلاً به عقب رانده خواهد شد.

با تمام این‌ها، پی آمدهای جنبش دانشجویی اخیر در پرتو روی دادهای سیاسی آتی باز هم روشن‌تر و دقیق‌تر به نمایش در خواهد آمد.

آن این است که ناقوس پایان حکومت فقاتی به صدا درآمده است و راه بازگشتی وجود ندارد. مردم بپاخاسته‌اند و حکومت انسجام درونی ندارد و اوضاع بین‌المللی نیز مساعد است. از این رو باید با خوش‌بینی به آینده این جنبش نگاه کرد و با تمام قوا کوشید که شعله این جنبش هر چی بیشتر فروزان‌تر گردد و چنان گسترش یابد که دستگاه سرکوب نتواند آن را برای موقت هم که شده کم‌نور گرداند.

البته این امر بدین معنا نیست که جنبش مزبور فراز و فرود نخواهد داشت، قطعاً مثل هر جنبش دیگر دارای مراحل گوناگونی خواهد بود. در این رابطه بخصوص وظیفه ابوزیسیون جمهوری خواه دموکرات و سایر آزادی خواهان است که نهادها و مجامع ترقی بین‌المللی را به حمایت از مبارزات آزادی خواهانه، عدالت خواهانه و ترقی خواهانه دانشجویان و مردم کشورمان فراخوانند و از آن‌ها بخواهند که با اعمال فشارهای سیاسی اجازه ندهند رژیم جمهوری به سرکوب و وحشیانه مردم و نقض خشن حقوق بشر ادامه دهد.

در خاتمه ضروری است به یک عنصر به شدت لازم ولی غایب تأکید شود که تأثیر بسیار منفی در کارایی و نیز گسترش جنبش مردم کشورمان دارد. و آن همانا نبود رهبری موثر و سراسری جنبش است. بر هگان روشن است که هیچ کدام از احزاب، نیروها و سازمان‌های سیاسی مترقی در وضعیتی قرار ندارند که بتوانند جنبش را نه تنها هدایت، بلکه تأثیری قابل توجه بر آن بگذارند. هیچ اتحادی وجود ندارد که مردم را سازماندهی و حرکت آن‌ها را سمت و سو دهد. علاوه بر این مردم در تشکلهای صنفی مستقل و نیز متشکل نشده‌اند. و این آن بیماری اسف‌انگیزی است که جنبش کشور ما هم‌چنان با آن روبروست. و تاکنون زبان‌های بزرگی را نیز متحمل شده است.

اینک که دانشجویان و مردم فعالانه پا به میدان گذاشته و اراده کرده‌اند که بر عسر رژیم جمهوری اسلامی خاتمه دهند. آیا زمان آن فرا نرسیده که ابوزیسیون به خود آید و برای استقرار دموکراسی در کشور و ایجاد ایرانی آزاد، آباد، و فدرال دست همدیگر را بفشارد؟ ما باید بدانیم که زمان خیلی کمی در اختیار داریم. به این دلیل بایستی مسؤلانه فکر کرده و مسؤلانه عمل نماییم. باید توجه داشته باشیم که گرچه کشور ما نه افغانستان است و نه عراق و به همین دلیل نه کرازی را برمی‌تابد نه چلی را. اما اگر دیر بچینیم ممکن است شرایط کرازی یا چلی و یا حتی ظاهر شاه را بر ما تحمیل کنند.

در میان جمهوری خواهان دموکرات و پیگیر دو نیرو مانع شکل‌گیری اتحادی کارا بوده و می‌باشد.

الف: نیروی راست معتقد به استحاله رژیم از طریق حمایت از جناح اصلاح طلب حکومتی. ب: نیروی چپ حداکثرخواه و منزه طلب و اراده‌گرا.

هر دو نیرو تاکنون ضربات جبران‌ناپذیری بر تحقق امر اتحاد جمهوری خواهان دمکرات طرفدار فدرالیسم زده‌اند که متأسفانه در چشم‌انداز نزدیک نیز دست شستن آن‌ها از سیاست سکنازیستان دیده نمی‌شود. به همین دلیل باید با تمام قوا کوشید، تا این دو نیرو نتوانند بیش از این در امر اتحادها خرابکاری کنند. این امر متحقق نمی‌شود مگر این که نیروهای مسؤل، آینده‌نگر و واقع بین تمامی احزاب، سازمان‌ها و جریانات سیاسی بی‌توجه به منافع تشکیلاتی - سیاسی قبیلهدی، تفرقه‌اندازان راست و چپ را زیر فشار سیاسی قرار دهند و بدین ترتیب عرصه را به آن‌هایی که امر اتحاد را فقط در حیاط خلوت خویش می‌جویند تنگ سازند تا در صورت عدم تمکین به ضرورت روز به کنج خلوت خویش پناه برند.

در این راستا آرزو این است که سازمان ما بتواند، حمایت اوضاع را در یابد و خانه‌تکانی جدی در سیاست‌های اتحادها، انجام دهد. امید است که چنین شود!

ابوزیسیون در کلیت خود، دریافت ک چه میزان در تأثیرگذاری بر روند جنبش و روی دادهای سیاسی جوشیده از دل جامعه علیه حکومت و برای دموکراسی، کم‌توان است. این جنبش، تکانه بزرگی در صفوف ابوزیسیون پدید آورده و خواهد آورد و آن را در بوته آزمون قطعی و نهایی قرار خواهد داد. اما مهم‌تر از آن، کاملاً قابل پیش‌بینی است که نیروها و سیاست‌های تازه‌ای، از دل همین جنبش دانشجویی جوانه بزنند و جامعه را با پدیده‌های نوینی روبرو کنند.

زمان تغییر و تدبیر

احمد فرهادی

و ضد مردم قرار نگیرد. دیگر وقتی برای تلف کردن نمانده است.

بخشی از اصلاح طلبان حکومتی، با ابراز توجه به اوضاع حاد جامعه به برخی اقدامات در خور توجه، مانند نوشتن نامه به «ولی فقیه» و بیان صریح این که مسئولیت اصلی استبداد و سیاست های ایران برپاده متوجه شخص اوست و هم چنین طرح همه پرسی و تهدید به خروج از حاکمیت، دست زده اند. اما این اقدامات متأسفانه فقط بیان درد است، که بیان کننده گانش یا خیلی دیر به شناخت آن رسیده اند و یا خیلی دیر آن را بیان می کنند. درست است که شناخت و بیان درد نخستین گام مهم در راد در مان درد است اما کافی نیست. آن بخش از این نیروها که واقعا به منافع مردم و مردم سالاری واقعی اعتقاد دارند باید بدون فوت وقت با شکستن پیله خودی و غیر خودی در جهت نزدیکی با همه نیروهای خواهان «حکومت کاملاً انتخابی» حرکت و در این راستا اتخاذ سیاست کند. هر نوع امید بستن به نیروهای جبهه ولایت جز زیان بیشتر وارد آوردن بر منافع مردم ثمری نخواهد داشت.

اشرکات فراوانی وجود دارد که اتحاد عمل حول آن ها و تبلیغ و ترویج آن ها به ایجاد چشم انداز و امید به آینده بهتر در بین مردم کمک می کند و در نتیجه شجاعت عمل می آفریند. ما نیز وقتی برای از کف دادن نداریم

مردم و ابوزیوسون

در چنین اوضاع بحرانی و آستان حوادث مردم ایران و نیروهای سیاسی معتقد به مردم سالاری و دموکراسی از پراکندگی و سازمان نیافتگی رنج می برند و همین امر مانع اصلی یورش به سنگر استبداد فقهاتی است و حتی می تواند در شرایطی به عنوان عامل تقویت کننده جایگزینی شکل دیگری از استبداد به جای استبداد موجود عمل کند. امروزه اگر مردم اقدام به خیزش همگانی نمی کنند بدلیل همین سازمان نیافتگی و عدم وجود چشم انداز مناسب است. و باز به همین دلیل است که پیش قابل توجهی از مردم ایران چشم به خارج دوخته و امید به آمریکا بسته اند.

در این شرایط حرکت در راستای اتحاد عمل سازمان یافته و طبق برنامه نیروهای سیاسی مردمی کمک موثری است به وحدت عمل مردم و در خدمت گذر کم دردتر و سریع تر از استبداد به دموکراسی قرار دارد. اتحاد عمل برای نیل به هدف اعتماد به نفس می آفریند و استفاده از تمام امکانات داخلی و خارجی را ممکن می سازد. حرکت بسیار امیدبخشی در این راستا با انتشار بیانیه اتحاد جمهوریخواهان آغاز شده که بیش از ۷۰۰ نفر از فعالین سیاسی مقیم خارج کشور آن را امضا کرده اند. ضمن تلاش برای تقویت آن و در راستای تقویت آن ایجاد جبهه وسیعی از احزاب و سازمان های سیاسی معتقد به مردم سالاری و جمهوریت، حول عام ترین و اساسی ترین خواست ها، مبرم ترین و فوری ترین وظیفه امروز است. اشرکات فراوانی وجود دارد که اتحاد عمل حول آن ها و تبلیغ و ترویج آن ها به ایجاد چشم انداز و امید به آینده بهتر در بین مردم کمک می کند و در نتیجه شجاعت عمل می آفریند. ما نیز وقتی برای از کف دادن نداریم.

برخورد جناح های حاکمیت با بحران

علاوه بر بحران های حاد سیاسی نامبرده بحران های حاد اجتماعی و اقتصادی فراوانی سر تا پای کشورمان را فرا گرفته اند. بیکاری، فقر، اعتیاد، رشود خواری، دزدی و جنایت، فحشا، پاس و ناامیدی در مقیاس وحشتناکی گسترش یافته اند. بنظر می رسد شیرازه جامعه دارد از هم می پاشد و برای حکومت جمهوری اسلامی ایران کنترل اوضاع و اداره کشور روز به روز سخت تر می شود. این ناتوانی خود بر عدم مشروعیت حکومت می افزاید و فاصله حکومت و مردم را بیش تر می کند.

«ولی فقیه» و نیروهای جبهه ولایت، با سوء استفاده از این اوضاع در آستانه انفجار برای خواباندن مچ جناح مقابل خود در حاکمیت در راستای تثبیت قدرت مطلقه خود، تقریباً یک پارچه و سرسختانه زورگویی و اعمال خشونت را گسترش می دهند و در جهت محدود کردن هر چه بیشتر مردم می تازند.

آقای خاتمی به عنوان کسی که رسماً اولین شخص انتخابی کشور است و ریاست قوه مجریه را دارد متأسفانه بدون توجه به حساسیت و وخامت اوضاع، که خود بارها به آن اشاره کرده، کماکان سیاست صبر و انتظار در پیش گرفته و بسیار بعید می نماید به اتخاذ سیاستی قاطع و شجاعانه در کنار گذاشتن «دغدغه های رهبر» و توجه به دغدغه های مردم دست یازد. اگر چه مردم ایران دو بار، و هر بار با بیش از بیست میلیون رای، اعتقاد خود را بر او ارزانی داشته اند، تاکنون در انجام تعهداتی که در مقابل مردم پذیرفته قصور فراوان داشته است، ولی بی عملی امروزین او در برابر آنچه بر کشورمان می گذرد و در حال گذشتن است بزرگ ترین قصور و خطای اوست. در مقابل خاندهای که آتش گرفته بی طرفی معنی ندارد، حرکت به خاموش کردن آتش نبردازه به گسترش آتش یاری رسانده است. عدم عمل قاطع آقای خاتمی در راستای تعهدات و وظایفش، یعنی قرار گرفتن خواسته یا ناخواسته، و بنظر من کاملاً ناخواسته، در کنار جبهه استبداد و ضد مردم است. حداقل کاری که آقای خاتمی می تواند بکند استغفا با بیان دقیق دلایل آن است. من امید اقدامات شجاعانه تری را ندارم اما حداقل آرزوی شخصی من برای آقای خاتمی، که توانست اعتماد و احترام مردم ایران و بسیاری از مخالفان خود را بدست آورد و در چند سال اخیر منشاء خدمات با ارزشی برای کشورم بوده، این است که در کنار جبهه استبداد

سیاست ایران ایجاد خواهد شد. بخشی از اصلاح طلبان حکومتی او را در این راه حمایت می کنند. این مجموعه در حقیقت هنوز هم در پی بهره گیری از ظرفیت قانون اساسی موجود است. در نتیجه نیروی اصلاح طلبان حکومتی دچار تفرقه در شناخت مرحله مبارزه و اتخاذ سیاست گشته اند. البته بر خلاف جبهه ی اصلاح طلبان حکومتی، جبهه فقاقت از یک پارچه گی نسبی برخوردار است و تقریباً یک پارچه به سرسختی و اعمال خشونت پیش تر روی آورده است. خود «ولی فقیه» در پاسخ به تظاهرات چند روز اخیر دانشجویان، آنان را عاملان خارجی نامیده و تهدید کرد که مردم (بخوان چاقو کشان حزب الله) ۲۳ تیر سال ۱۳۷۸ را تکرار خواهند کرد. این سرسختی در مقابل اصلاح طلبان حکومتی نیز اعمال می شود، از تهدیدات قوه قضاییه تا تهدیدات خود ولی فقیه. نبرد سخت تر شده و شکاف بین جناح های حکومتی هم به لحاظ چالش بین آنان و هم به لحاظ روش های برخورد متفاوت با اوضاع سیاسی کشور ژرف تر گشته است.

بحران در روابط بین المللی

وضعیت کشور در خارج از مرزها نیز پراشوب و پرتنش است. هیچ گاه کشور ما این چنین در حلقه محاصره یک نیروی یکدمت نظامی قرار نداشت. آمریکا، در راستای پیش برد سیاست تحت امر در آوردن جهان و استقرار نظم نوین مورد نظرش، یعنی جهانی یک پارچه ولی تحت امر آمریکا، پس از دو زور آزمائی در افغانستان و عراق و پیروزی سریع در آن ها پشت دروازه های ایران ایستاده است. جامعه بین المللی با وجود تلاش فراوان برای جلوگیری از حمله آمریکا به عراق امروزه در پی آشتی با اوست، گسستی چیزی اتفناک نیفتاده است. دولت بوش با استفاده از این واقعیت و جری تر از زمان حمله به عراق فشار به ایران را افزایش داده است. امروزه دیگر سیاست آشکار دولت بوش تغییر حکومت ایران است و این را همه می دانند و اعلام می دارند. گرچه برخلاف گذشته تقریباً تمام سیاست گزاران و دست اندر کاران حکومت بوش مبتنی بر عدم وجود برنامه حمله به ایران چنین واریاتی به هیچ وجه منتفی شده نیست، اما آمریکا که امروزه علاوه بر فشار از خارج به مشابه یک آکتور داخلی در صحنه سیاست ایران نیز نقش ایفا می کند، بیش ترین نیرو برای تغییر حکومت جمهوری اسلامی ایران را روی این واریانت قرار داده است. در سایه وخیم تر شدن وضع حقوق بشر در ایران، مشکلاتی که ارگان های موازی سیاست گذاری خارجی می آفرینند و مساجر اجسویی های خدمه ولایت در روابط بین المللی، روابط بین ایران و اتحادیه اروپا و روسیه نیز از وضعیت نسبتاً خوب یکی دو سال گذشته فاصله گرفته است.

مردم تا زمانی که معتقد بودند در چارچوب نظام جانی برای حرکت اصلاح طلبانه هست در میدان انتخابات برآمد کردند اما امروز دیگر این اعتقاد و این عمل کرد را ندارند. آنان اکنون که می بینند از طرفی ظرفیت اقتدار گرایان برای تن دادن به اصلاحات در ساختار موجود حکومتی به پایان رسیده و در نتیجه بدون تغییر ساختار پیش رفت ممکن نیست و از طرف دیگر اصلاح طلبان حکومتی نیز توان و خواست تغییر ساختار را از خود نشان نمی دهند طبعاً در برابر تمام سیستم قرار می گیرند. از هنگامی که خواست قدرتمند و فراگیر تغییرات دموکراتیک به سد ساختار حکومت جمهوری اسلامی برخورد در خدمت ژرفش هر چه بیشتر شکاف بین مردم و حکومت جمهوری اسلامی قرار گرفت. شکاف بین مردم و حکومت جمهوری اسلامی ایران هیچ گاه به این ژرفی نبوده است.

بحران در درون حکومت

چالش بین جناح های حکومتی در پایان این دوره نه تنها کاهش نیافته بلکه گسترش نیز یافته است. گسترش اختلاف بین اصلاح طلبان حکومتی به کاهش اختلاف بین بخشی از آنان با جبهه ولایت منجر نشده است. اگر چه تلاش بخشی از جبهه ولایت برای گود گذاشتن بین اصلاح طلبان به نوعی حمایت از آقای خاتمی معنی می شود ولی در واقع چنین نیست. عدم

از هنگامی که خواست قدرتمند و فراگیر تغییرات دموکراتیک به سد ساختار حکومت جمهوری اسلامی برخورد، در خدمت ژرفش هر چه بیشتر شکاف بین مردم و حکومت جمهوری اسلامی قرار گرفت

آمدگی آقای خاتمی به برداشتن گام های شجاعانه در راستای تعهدی که با مردم کرده بود پشتوانه مردمی را از او سلب کرده اما اعتمادی را در درون جبهه ولایت برای او به ارمغان نیاورده است و نخواهد هم آورد و این امر را پیش از همه خود او می داند. بخش قابل توجهی از اصلاح طلبان حکومتی با آگاهی از پایان یافتن دورای از مبارزه سیاسی که بر پایه بهره گیری از امکانات و ظرفیت های به کار گرفته نشده قانون اساسی بیان گذاشته شده بود و آغاز دوره ای که پایه اش در تغییر ساختار سیاسی قرار دارد، صریحاً مسئولیت «ولی فقیه» متذدید و خامت اوضاع و تمام اقدامات متبذدنه را یادآور شدند و در حقیقت به استقبال تغییر ساختار رفتند. آقای خاتمی اما نیروی اصلی خود را روی تصویب دو لایحه پیش نهادی خود گذاشته است، بدون این که خود او اعتماد داشته باشد که این دو تصویب خواهند شد و حتی در صورت تصویب دست و پا شکسته آن ها تغییر قابل توجهی در صحنه

کشورمان در وضعیتی فوق العاده حساس و بحرانی قرار دارد. دامنه بحران هم رابطه بین مردم و حکومت، هم رابطه بین جناح های حکومتی و هم رابطه بین حکومت جمهوری اسلامی ایران با کشورهای خارجی را در بر گرفته است. این بحران و تلاطم در درون و بیرون کشور و در درون و بیرون حکومت خیر از فرار رسیدن زمان تغییر و تدبیر می دهد.

شکاف بین مردم و حکومت

امیدی که در دوم خرداد ۱۳۷۶ در بین مردم ایجاد شده بود تقریباً به صورت کامل از بین رفته است. شش سال پیش، با به میدان آمدن آقای محمد خاتمی با شعار و وعده استقرار مردم سالاری، مردم در سطحی وسیع و غیر قابل پیش بینی به میدان آمدند و با قاطعیت ولی فقیه و کاندیدی «ذوب شده در ولایت فقیه» و مورد تأیید ولی فقیه را رد کردند و به آقای خاتمی رای دادند و از آن پس تا نهم اسفند ۱۳۸۱ با امید به پیشرفت اصلاحات حدود شش سال از جمله در انتخابات مجلس، انتخابات شوراهای انتخابات دور آخر ریاست جمهوری از آقای خاتمی و آن بخش از نیروهای حکومتی گرد آمده در پیرامون او و معروف به «اصلاح طلبان دولتی» حمایت کردند. این دوره از تاریخ ایران که عمدتاً با چالش بین نیروهای دو جناح داخل حکومت نشان خورده است گرچه دست آوردهای بسیار پارزشی داشت اما موفق به برآورده کردن بخش زیادی از خواست های مردم نشد. البته مقاومت سرسختانه اردوگاد ولایت فقیه عامل اصلی نصف ماندن راه است اما تنها عامل نیست. عدم اتخاذ سیاست های مناسب هر مرحله از پیشرفت مبارزه و احتراز از تکیه بر حمایت بی دریغ مردم در عقب نشاندن حریف از جانب اصلاح طلبان دولتی و به ویژه شخص آقای خاتمی ضربه های کار سازی بر

بیکر جنبش اصلاحات زده اند. امروز دیگر مردم نه تنها از هر دو جناح حکومتی روی گردانده اند بلکه به نیروهای خارج از حکومت که کاندیدی انتخابات در چارچوب جمهوری اسلامی می شوند نیز روی خوش نشان نمی دهند. در دوم خرداد ۱۳۷۶ مردم به نفی استبداد از طریق حمایت از جنبش اصلاح طلبی معتقد شدند و حرکت مردمی جنبش و سازمان خود را یافت و در نتیجه قاطع و با اعتماد به نفس عمل کرد. این عمل در راستای کاهش فاصله بین حکومت و مردم بود. دوره نزدیک به شش ساله پس از دوم خرداد امکان ارزشمندی بود برای این که جامعه حول خواست های عمومی به وحدت نظر و خود آگاهی نزدیک شود. در این دوره جنبش اصلاحات از طرفی خواست تغییرات دموکراتیک در ساختار سیاسی جامعه را بسیار قدرتمند و فراگیر کرد و از طرف دیگر پس از تسلط اصلاح طلبان بر تمامی ارگان های انتخابی به سد ساختار سیاسی برخورد و متوقف

بخشی از اعلامیه انجمن اسلامی دانشجویان دانشگاه های بوعلی سینا و علوم پزشکی همدان

گزارشی هر چند اجمالی از وقایع شهر همدان را به اطلاع عموم می رساند.
الف: وقایع یکنشنبه
ساعت ۴/۳۲ در سر در مجتمع خوابگاهی بوعلی سینا علوم پزشکی حدود ۱۰۰ نفر از دانشجویان تجمع کردند این تجمع در اعتراض به وقایع خوابگاه دانشگاه های تهران بود. دانشجویان با شعارهای نظیر مرگ بر استبداد و دانشجویی سیاسی آزاد باید گردد اعتراضات و مطالبات خود را بیان می کنند. کم کم جمعیتی حدود ۱۵۰ - ۱۲۰ نفر از مردم نیز در خارج از سر در دانشگاه (ابتدای خیابان جوادیه) تجمع می کنند. تجمعات با درایت نیروی انتظامی حدود ساعت ۳ با تمداد روز دوشنبه خاتمه می یابد. در اواخر تجمع مدیر کل اطلاعات

استان شروع به صحبت با چند نفر از اعضای انجمن اسلامی می نماید که در جریان این صحبت این اعضا توسط گروه های فشار شناسایی می شوند. در پایان تجمع در ساعت ۳/۴۰ با تمداد ۲ نفر از اعضای شورای مرکزی به نامهای یحیی صفی آریان و محسن خسروی و یک نفر از اعضای شورای عمومی انجمن به نام علیرضا خوشبخت در محاصره ۸ موتورسیکلت قرار گرفته و به شدت مضروب می شوند. در روز دوشنبه نیز از طرف مقامات محلی اعضای انجمن به عنوان عامل شروع تجمع متهم می شوند.

ب: وقایع دوشنبه

از ساعت ۲۳ تجمع دانشجویان در اعتراض به ضرب و شتم اعضای انجمن اسلامی

دانشجویان همدان و همینطور وقایع اتفاق افتاده در خوابگاه علامه طباطبائی آغاز می شود. در این تجمع که در داخل محوطه دانشگاه برگزار شد جمعیتی حدود ۳۰۰ دانشجوی حضور داشتند. بعضی از اعضای انجمن اسلامی دانشجویان به قصد ایجاد آرامش در دانشگاه به ایراد سخنرانی می پردازند که مواضع معتدل آنها مورد پذیرش معترضین قرار نمی گیرد. لذا تجمع را ترک می کنند در این شب مردم شهر نیز در خارج از محوطه خوابگاه تجمع کرده اند و تعداد آنها حدود ۴۰۰ نفر گزارش شده است. در این شب درگیری های پراکنده ای هم صورت گرفته است.

ج: وقایع سه شنبه

تجمع در این شب از ساعت ۲۳ آغاز می شود. جمعیتی حدود ۶۰۰ نفر از دانشجویان دانشگاه های بوعلی سینا و علوم پزشکی همدان در داخل محوطه دانشگاه از درب خوابگاهها تا

سر در اصلی دانشگاه راهپیمایی می کنند مردم همدان نیز (حدود ۵۰۰ نفر) در فلكه مهدیه میدان منتهی به دانشگاه تجمع می کنند. تحرک گروه های فشار به وضوح دیده می شود. حدود ساعت ۲ صبح نیروی انتظامی با حرکت به سمت جمعیت خارج دانشگاه سعی در متفرق کردن آنها می کند. موتورسواران انصار حزب الله نیز وارد محوطه دانشگاه می شوند و به دانشجویان حمله می برند. این نیروها که مجهز به زنجیر، چاقو و چوب بودند به شدت دانشجویان را مضروب می کنند. تا ساعت ۲/۴۵ صدای فریادهای دانشجویان در خوابگاه شنیده می شود. در این هنگام نیروی انتظامی وارد خوابگاه می شوند و بین گروه فشار و دانشجویان حائل می شوند. اما تا ۳۰ دقیقه بعد گروه فشار مانع ورود آمبولانس برای انتقال مجروحین می شدند.

گفتگوی رادیو فرانسه با صادق زیباکلام، داریوش همایون و فریدون احمدی

جنبش دانشجویان در ایران

*** صادق زیباکلام: من تصور نمی‌کنم که هیچ نکته خاصی در این حرکت وجود داشته باشد. خیلی مانده تا حکومت اسلامی تغییر کند**

*** فریدون احمدی: این مساله که یک حرکت کوچک صنفی به فاصله چند ساعت تبدیل می‌شود به یک تظاهرات سیاسی با خواست‌های بسیار رادیکال، این یک وضعیت جدید است**

*** داریوش همایون: جنبش دانشجویی یک بعد بسیار مهم خارجی دارد و آن این است که هم‌زمان**

شده است با افزایش فشارهای شدید آمریکایی‌ها بر جمهوری اسلامی

را هم نادیده نیانگارند. ما در ایران یک سابقه مستند مبارزات دانشجویی داشتیم و آنچه که الان بوجود آمده این هست که نسل سوم انقلاب یک سرخورده‌گی‌ها و ناراضی‌هایی نسبت به عملکرد مسئولین، حالا چه محافظه‌کاران، چه اصلاح‌طلبان بوجود آمده. من فکر می‌کنم ما خیلی آقای همایون فاصله داریم به این که کار نظام جمهوری اسلامی را تمام‌شده بدانیم و برویم سراغ این که خوب حالا بدبیش چی می‌شود، ال‌ترناتیویش چی می‌شود. نکته دومی که برخلاف آقای احمدی که به نظر می‌رسد اصلاً نگران این مسئله نباشند که حالا آمریکایی‌ها در چه حد و حدودی دارند از این جنبش و از این اعتراض پشتیبانی می‌کنند. اتفاقاً آقای احمدی برای دانشجویان و برای کسانی که می‌پویندند و سعی می‌کنند که پیوندند به این جنبش، این مسئله که انگ امریکایی بهشون نخوره اتفاقاً براشون خیلی مطرح است. اتفاقاً این‌ها دقت دارند که این حرکت خودشون رو اسیل و غیروابسته به جریان‌های خارج از کشور ببندند.

● فرنگیس حبیبی: بخشید آقای زیباکلام یک دغدغه اساسی دیگر هم وجود دارد و آن این که دانشجویان یک سری خواست‌ها را از سال‌ها پیش با خودشان حمل کردند و این خواست‌ها ارضا نشده.

● صادق زیباکلام: درست‌ترین اتفاق من با تمام وجود می‌توانم اعتراض دانشجویان را، امیال و آرزوهای برپا رفتن رو ظرف ۶-۵ سال گذشته را که اصلاح‌طلبان بودند را ببینم. شب اول و شب دوم تظاهرات، اتفاقاً این قدری که علیه آقای خامنه‌ای و اصلاح‌طلبان شعار بود علیه محافظه‌کاران شعار نبود. و شاید همین قابل فهم است برای این‌ها که می‌گویند خوب از محافظه‌کاران که ما انتظار و توقع ما بود که در جهت اصلاح‌طلبان انتظار و توقع ما بود که در جهت بازکردن فضای سیاسی، در جهت حل و فصل مسائل اقتصادی، حرکت بیشتر، حرکت گسترده‌تری را داشته باشند و نکردند.

● فرنگیس حبیبی: آقای احمدی لطفاً راجع به سمت و سوی که این حرکت به نظر شما خواهد گرفت صحبت کنید.

● فریدون احمدی: ببینید، از خصلت‌های جنبش دانشجویی همیشه فراز و فرود آن بوده است و ما نباید این انتظار را داشته باشیم که یک حرکت دانشجویی آغاز می‌شود، همچنان تداوم و گسترش پیدا می‌کند، اوج می‌گیرد و به یک نقطه تعیین‌کننده در رابطه با کل جامعه می‌رسد. ما در سالگرد ۱۸ تیر با فرازهای جدیدی روبرو خواهیم شد. ولی بر اساس التهاب عمومی که در کل جامعه وجود دارد برخلاف گذشت آقای زیباکلام جامعه ما ایستاد

تحولات جدی هست و ربطی به خارج کشور و داخل کشور ندارد. در پراتز و حاشیه هم بگویم صادق زیباکلام را دیدم، من در زندان از فعالین داخل کشور بودم و ایشان از خارج از کشور آمده بودند و آقای همایون هم وزیر بودند.

● داریوش همایون: من ۵۳ وزیر نبودم ولی خوب به هر حال

● فریدون احمدی: در حکومت بودید.

● داریوش همایون: نه در حکومت هم نبودم.

● فریدون احمدی: ده سال بعد صحنه عوض شد. من مخفی بودم. آقای زیباکلام در حکومت و آقای همایون در خارج از کشور و حالا وضعیت فعلی و بینیم چه خواهد شد. من فکر می‌کنم که موضوع این نیست از خارج نیست به وضع ایران ذهنیت وجود داشته باشد و دور از عینیت باشد. جامعه ما ملت‌بند و آبستن تحولات جدی است. حرکت‌های دانشجویی به مثابه جرقه‌هایی برای تداوم و گسترش این حرکت‌ها تاثیرات تعیین‌کننده و جدی خواهند داشت و ما می‌رویم به این سمت که در مجموع، شاید نه در آینده دو سه ماه آتی ولی در آینده‌ای نه چندان دور با اوج‌گیری جنبش‌های اجتماعی وسیع و تحولات جدی مواجه باشیم.

● فرنگیس حبیبی: آقای داریوش همایون شما لطفاً بفرمایید که تحول حرکت کنونی جوانان و دانشجویان را چه طوری می‌بینید؟

● داریوش همایون: مسلم است که کار جمهوری اسلامی هنوز به پایان نرسیده است ولی دست کم از چهار سال پیش این‌ها فرآیند شروع شده است. همان طور که آقای دکتر هم اشاره کردند، دانشجویان و جوانان هم از جناح اصلاح‌طلب حکومت سرخورده‌اند و هم از جناح انحصارگر. هیچ راهی جز تغییر این رژیم برای این مردم نمانده است. و این را نمی‌شود به زور نیروهای پلنگینه‌پوش، انتظامی و بسیجی حفظ کرد. ولی عامل فشار خارجی هر چند ما بخواهیم با تبلیغات انحرافی، بد جلوه بدهیم. بگویم جنبش دانشجویی، جنبش مردم ایران دست نشانده و وابسته آن فشارهاست، ابتدا خود این مردم بهتر از همه مصلحت‌خودشون را می‌دانند.

انکار کند، هم چنین هسگان از تاثیر تسبیحی رسانه‌های فارسی‌زبان لوس آنجلس که گفته می‌شود با کمک مالی آمریکا فعال شده سخن می‌گویند. صرف نظر از قضاوتی که هر کس می‌تواند در باره کیفیت این برنامه‌ها داشته باشد. شمس به عنوان یک مرد سیاسی مشروطه‌خواه که با این رسانه‌ها سر و کار دارید، فکر نمی‌کنید که ارتباط با حرکت دانشجویی تنها از طریق این رسانه‌ها می‌تواند نتایج غیرقابل پیش‌بینی به همراه داشته باشد.

● داریوش همایون: بستگی به کیفیت این رسانه‌ها و پیامشان دارد. این هم که این رسانه‌ها به کمک آمریکا راندانداز شده درست نیست، من با این رسانه‌ها آشنا هستم. با مسائل مالی‌شان آشنا هستم به هیچ وجه این طور نیست. آمریکا نمی‌تواند مخفیانه به کسی کمک کند و تازه یک سناتور آمریکایی پیشنهاد کرده است که ۵۰ میلیون دلار برای کمک به مبارزه برای دموکراسی در ایران، در بیرون ایران تخصیص داده بشود که ما در دیدارهایمان با مقامات آمریکایی و با خود آن سناتور تأکید کردیم که مبادا باز صحبت پول به میان بیاید و این ۵۰ میلیون را حتما بردارند و به کسی ندهند برای اینکه ما نیازی به آن نداریم و ما فقط پشتیبانی اخلاقی و سیاسی از لحاظ ملت ایران عرض کردم می‌خواهیم. و پیام‌هایی که از خارج می‌رسد، قسمت عمده‌اش، بسیار نقش سازنده‌ای دارد در ایران و باید ما پشتیبانی بکنیم و اگر این وسیله نمی‌بود، مردم در ایران با تنگناهایی که روبرو هستند و فشارهایی که زیرش هستند، نمی‌توانستند به این صورت اراده خودشان را ابراز بکنند. آنچه که در سخنان آقای احمدی برای من جالب توجه بود، غیر از مطلبی که در باره پادشاهی گفتند که هم در تعبیر اشتباه بود، هم احتمالا در بخش خودآرمان پادشاهی برای این که جایی در سیاست آینده ایران داشته باشند، نظر ایشان است که ما می‌توانیم اختلاف داشته باشیم. آن نکته این است که بیم از قوت گرفتن هواداران پادشاهی، سبب نشده است که سازمان ایشان از دانشجویان پشتیبانی نکند. این بسیار تحول درستی است، مثتی است و ما باید این ملاحظاتی را که کمک جریان سیاسی زمینه بتری در ایران خواهد یافت در درجه دوم قرار بدسیم. و در درجه اول اهمیت به پیشبرد مبارزه مردم ایران پردازیم. برای این که این مبارزه مبارزه درستی است، برای آزادی است، برای دموکراسی است، برای حقوق بشر و جامعه مدنی است، برای جامعه عرفی‌گراست. اگر این مبارزه به نتیجه برسد که من مطمئن هستم که می‌رسد نشانه این است که یک نیروی عظیم اجتماعی پشت سر این شعارها این فریادها بسیج شده است و آن نیروی اجتماعی اجازه نخواهد داد که در آینده پس از جمهوری اسلامی یا پادشاهی مطلقه، سلطنت مطلقه در ایران برقرار بشود، یا جمهوری دیکتاتوری، جمهوری موروثی جمهوری مادام‌العمر که سرانجامش هم دیکتاتوری نظامی است.

● فرنگیس حبیبی: آقای دکتر زیباکلام به نظر شما این حرکت چه رسوخشی خواهد یافت، طی روزها و هفته‌های آینده؟

● صادق زیباکلام: یکی از مشکلاتی که وجود دارد، حتی زمانی که ما خودمون هم علیه رژیم مبارزه می‌کردیم همیشه این نقطه ضعف برای اپوزیسیون خارج از کشور وجود دارد که یک حرکت اعتراضی را خیلی پیش از آنی که در عمل ظرفیتش بوده بزرگ بکنند و برسند به جایی که خوب دیگر کار تمام شده و تنها نکته‌ای که مانده، این است که باید الان پشتیبانی شکل آینده حکومت ایران را تعیین بکنیم. من تصور می‌کنم که باید آقایون و خانم‌هایی که در خارج از کشور هستند یک مقداری این حرکت‌ها را واقعاً آن قدر که در عمل بوده ببینند و کار را ببنند، برای خودشون کوه نکنند و کوه

شامل محافظه‌کاران از یک سو و اصلاح‌طلبان و لایه‌های درون اصلاح‌طلبی از سوی دیگر مسی‌شود. بسایستی بگویم که جریان محافظه‌کاران خوب تکلیفشون کم و بیش با این جنبش روشن است. بخش‌های تندروی آن خواهند بود و برای دانشجویان خیلی رادیکال و خیلی قاطع با این حرکت هستند، اما بخش‌های معتدل تر دلشان می‌خواهد که بدون این که برخورد به خشونت کشیده شود، به تدریج مسئله فیصله پیدا بکنند. اما جریانات اصلاح‌طلبی یک مقداری در شرایط خیلی بدی قرار گرفته‌اند. از یک سو با دانشجویان همراه هستند، هم‌درد هستند، اما مشکلی که بوجود آمده که چرا رهبران برجسته دوم خرداد ظرف قریب ۵ روز گذشته ساکت بودند. یک دلیل این هست که در یک وضع بدی قرار گرفتند. به این معنا که با توجه به این که سلطنت‌طلب‌ها و آمریکایی‌ها به شدت دارند از این جنبش پشتیبانی می‌کنند، اصلاح‌طلبان نمی‌توانند راحت بیایند و بگویند که ما این حرکت را تأیید می‌کنیم. برای این که آن وقت میرزاشان با سلطنت‌طلبان و دیگر کسانی که خواهان براندازی نظام هستند مخدوم می‌شود. اگر هم ساکت باشندند، آن وقت هم مورد بی‌مبری بیشتر دانشجویان و ائتلاف جوان جامعه ایران می‌شوند. بنابراین ظرف یک دو روز آینده ما شاهد این خواهیم بود که اصلاح‌طلبان سعی می‌کنند مثل آن بنده‌زانی که روی طباط حرکت می‌کنند یک موازنه خیلی حساسی را سعی می‌کنند شکل بدهند.

● آقای فریدون احمدی این طور به نظر می‌رسد که نیروهای سیاسی سابقه‌دار خارج از حکومت که به وضع موجود معترض هستند ولی نمی‌خواهند با سیاست آمریکا در باره ایران هم‌سو نباشند باشند واهمه دارند که در صورتی که وارد این جنبش بشوند، نسبت هم‌سوایی با آمریکا یا احیانا نیروهای خواهان سلطنت به اون‌ها زده شود. این تناقض را چطور باید حل کرد، به نظر شما؟

● فریدون احمدی: ببینید این پدیده، پدیده جدیدی نیست، نسبت دادن حرکت‌های اعتراضی و جنبش‌های بخش‌های مختلف مردم به بیگانگان، به آمریکایی‌ها، و همچنین باید بگویم به نظر من در زمینه نقش و خطر سلطنت اغراق‌های بسیار جدی صورت می‌گیرد. سلطنت دیگر در ایران اچاشدنی نیست. فکر می‌کنم حتی قدرت‌های جهانی هم به این نتیجه رسیده باشند و با برسدند که در ایران وقتی که به نفی اراده ولی فقیه، نفی اراده یک فرد، و رای اراده آزاد و انتخابی مردم می‌رسند، هر شکل دیگر کسب امتیاز و حقانیت را، چه از جانب خدا باشد، چه حقانیت بر بنای یک رسالت تاریخی باشد، آن گونه که در ذهن بخشی از چپ‌های سنتی بود. و چه حقانیت از طریق ارث و دودمان باشد، همچون سلطنت، جامعه به آن حد از پیشرفت فکری رسیده که هر شکل از این نوع اراده‌ها و رای اراده آزاد مردم را رد کند. بنابراین این خطر نه جدی است، نه این اتهامات واقعی است و گروه‌های سیاسی خارج از نظام، آن‌هایی که به نظر من چسبندگی ویژه‌ای به حفظ بخشی از نظام ندارند، این دغدغه‌ها ندارند که از حرکت‌های دانشجویی دفاع بکنند و واهمه‌ای داشته باشند که حرکت آن‌ها و پشتیبانی آنها به هم‌سوایی با آمریکا نسبت داده شود. به طور مثال در سازمان ما، بلافاصله ما از طرف رهبری سازمان اطلاعیه دادیم، از حرکت دانشجویان حمایت کردیم. به سهم خود فراخوان دادیم که تلاش شود که به نوعی بتواند این حرکت با حرکت‌های بخش‌های دیگر مردم، با حرکت‌های کارگران، جوانان، جنبش زنان و به جنبش بخش‌های دیگر اجتماعی پیوند بخورد.

● فرنگیس حبیبی: آقای داریوش همایون، فکر نمی‌کنم که کسی تاثیر سیاست‌های آمریکا در منطقه و بویژه در عراق را در تحولات ایران

زیادی که منتظر تحولات جدی هستند به آن پیوستند. اما نکته‌ای در مقایسه با تحولات و وضعیت آن زمان جنبش دانشجویی، جنبش دانشجویی آن زمان وسیعاً از دانشجویان سکولار تشکیل می‌شد. از دانشجویانی که در تشکیل‌های غیرمذهبی دانشجویی متشکل بودند و اکنون هم ما می‌رویم به این سمت که هر چه بیشتر جنبش دانشجویی ما، با توجه به این که جامعه ما به این سمت می‌رود که یک نظام لائیک دموکراتیک را در کشور مستقر بکنند، ما شاهد رشد تکسک‌ها و سازمان‌یافتگی و گردهم آمدن عناصر و نیروهای سکولار در جنبش دانشجویی هستیم.

● فرنگیس حبیبی: آقای داریوش همایون شما ضمن این که نظر‌تان را راجع به ویژگی‌های این حرکت دانشجویی می‌فرمایید، لطفاً بگویید که واکنش حکومت را به این حرکت چه‌طور می‌سنجید؟ از سخنان آیت‌الله خامنه‌ای و حجت‌الاسلام رفسنجانی گرفته تا سکوت آقای خامنه‌ای و بالاخره واکنش خشونت‌آمیز نیروهای امنیتی.

● داریوش همایون: به نظر من جنبش دانشجویی بسیار فراتر است از یک حرکت صنفی. این حرکت خودجوش است ولی با توجه به شبکه ارتباطی وسیعی که دانشجویان هم برقرار کرده‌اند، سازمان‌دهیش بسیار آسان است. البته یک نکته را باید در تأیید آقای دکتر زیباکلام عرض بکنم و آن این است که نیروهای انتظامی به طور محسوسی فاصله می‌گیرند از این لباس‌شخصی‌ها و لباس‌پلنگی‌ها. و این تحول بسیار مثبتی است در جهت رسیدن به یک آینده کمتر خونبار و کمتر آلوده با هر چه مرج، اما جنبش دانشجویی علاوه بر عواملی که آقای احمدی فرمودند یک بعد بسیار مهم خارجی دارد و آن این است که هم‌زمان شده است با افزایش فشارهای شدید آمریکایی‌ها بر جمهوری اسلامی. و مسلماً این حق مشروع دانشجویان است که از وضع روبرو کرده‌اند و وخامت رژیم اسلامی استفاده بکنند و فشار را بر آن بیاورند و کشورهای خارجی هم کاملاً حق دارند که از این جنبش دموکراتیک و عرفی‌گرا در ایران حمایت بکنند. نه به صورت نظامی، نه به صورت مالی ولی به صورت سیاسی و اخلاقی. واکنش دستگاه حکومتی در برابر این جنبشی که از چهار سال پیش شروع شده و امسال تفاوت اساسی این هست که لایه‌های اجتماعی دیگری می‌پویندند. کارمندان می‌پویندند طبقه متوسط ایران می‌پویندند و این بسیار بسیار برای رژیم خطرناک است و با یک معنای بزرگ این رژیم را روبرو کرده است که یا چنانچه که خامنه‌ای تهدید می‌کند یک میدان «تین آن من» ایرانی درست کنند و هزاران تن را به گلوله ببندند که در توان این حکومت نیست هر چند خامنه‌ای بگوید و یا مانند رفسنجانی هم تهدید بکنند و هم چراغ سبز به آمریکا نشان بدهند که ما همه چیز حاضریم به شما بدهیم، دست از سر ما بردارید. ولی این واکنش‌ها به جایی نخواهد رسید. من تصور نمی‌کنم که چه مردم ایران بویژه دانشجویان و چه نیروهایی که در بیرون با جمهوری اسلامی درگیر هستند، امیدي به بقاء این حکومت داشته باشند و هیچ انگیزه‌ای برای کنار آمدن با آن.

● فرنگیس حبیبی: آقای زیباکلام در زمینه واکنش به اصطلاح جامعه سیاسی، یعنی نیروهای سیاسی نهادینه‌شده یا محافل سیاسی یا خانواده‌های سیاسی که مثلا قبلا در جریان رویدادهایی مثل قتل‌های زنجیری‌ای یا واقعه کوی دانشگاه در ۱۸ تیر فعال بودند، سخنرانی می‌کردند، بیانی به دادند در دانشگاه و رسانه‌ها حضور داشتند، امروز یک نوع بهت‌زدگی یا سکوت یا انفعال دیده می‌شود. این واقعت دارد یا من اشتباه می‌کنم؟

● صادق زیباکلام: ببینید واقع مطلب این هستش که جریان‌های سیاسی نهادینه‌شده که

اشاره اخیراً رادیو بین‌المللی فرانسه گفتگوی با آقایان صادق زیباکلام، داریوش همایون و فریدون احمدی بربایمون وقایع اخیر دانشجویی انجام داد. متن این گفتگو را در زیر می‌خوانید. گفتگو توسط خانم فرنکیس حبیبی صورت گرفته است.

کستور از یک هفته است که محیط‌های دانشجویی در تهران و چند شهر دیگر، کانون یک حرکت اعتراضی شبانه هستند. اعتراضی که از خوابگاه دانشگاه تهران و با مطالباتی صرفاً دانشجویی شروع شد ولی خیلی زود به طرح شعارهای سیاسی در جهت رد وضعیت موجود و استقرار دموکراسی کشیده شد و با واکنش خشونت‌بار گارد ویژه و ماموران امنیتی لباس‌شخصی روبرو شد. در زمینه‌ها و زمانه‌های این هفته در حضور آقایان صادق زیباکلام، استاد دانشگاه در علوم سیاسی در تهران، داریوش همایون، روزنامه‌نگار و رایزن حزب مشروطه‌خواهان و فریدون احمدی سردبیر نشریه کار و از مسئولین سازمان فدائیان خلق اکثریت می‌خواهیم به ویژگی‌های این حرکت اعتراضی دانشجویان و جهت آن نگاهی بیاندازیم.

● آقای صادق زیباکلام اگر مایل باشید شما شروع بفرمایید. به نظر شما این حرکت دانشجویی که از سده‌شنبه شب آغاز شده یک حرکت عادی و شیهه حرکت‌های پیشین است، یا جنبه‌های تازه و بدویی هم دارد؟

● صادق زیباکلام: نه من تصور نمی‌کنم که هیچ نکته خاصی در این حرکت وجود ندارد. از قبل هم انتظار این می‌رفت که با نزدیک شدن به عیدم تیر و با توجه به حالت عمومی سیاسی که در دانشگاه‌های ما، بالاخص دانشگاه تهران بوده دانشجویان دست به یک حرکت‌های این چنینی بزنند. مسئله گرفتن شهریه برای دانشجویان و یا داوطلبانی که قرار است بعد از ظهر و عصرها به دانشگاه تهران بیایند، مستمسکی شده‌کار جلو بیایند و فی‌الواقع در ابتدا شاید تا حدودی مسئولین غافلگیر شدند ولی ابداً این که از بیرون بیایند و به تظاهرات بپیوندند را دست کم گرفته بودند. اما از شب‌های بعد نیروهای لباس شخصی و بسیج و این‌ها خیلی سازمان‌یافته‌تر سعی کردند کنند. بعلاوه شمار کسانی که از بیرون از دانشگاه می‌آمدند نه تنها کاهش نیافت بلکه رو به فزونی هم رفت. البته من در اینجا باید به نقش مثبت نیروی انتظامی اشاره بکنم که برخلاف ۱۸ تیر سال ۷۸، نیروی انتظامی حداقل تا دیشب خیلی خوب عمل کرده، یعنی سعی کرده که بی‌طرف باشد، سعی کرده که نگذارد دانشجویان و تظاهرکنندگان مورد ضرب و شتم زیاد قرار بگیرند. خودش از جمله به تظاهرات دانشجویان و دانشجویان خودداری کرده و تنها چیز مثبتی که می‌شد ذکر کرد عمل کرد پخته و معقول و سنجیده نیروی انتظامی تا به الان بوده.

● فرنگیس حبیبی: بخشید آقای زیباکلام خبرهایی که تا به الان رسیده، البته الان شبیه شب هست. شب گذشته لباس شخصی‌ها و کسانی که اونیزم لباس‌های پلنگی داشتند به خوابگاه‌ها حمله کردند و تعداد زیادی را زخمی کردند.

● صادق زیباکلام: این نه لباس شخصی‌ها و نه لباس پلنگی‌ها را به نظر من به این سادگی نمی‌شود که این‌ها رو جزو عوامل نیروی انتظامی به حساب آورد.

● فرنگیس حبیبی: آقای فریدون احمدی اگر اشتباه نکنم، شما در فردای انقلاب ۵۷ جزو دانشجویان پیشگام بودید. اگر نه در رهبری، وابسته به سازمان چریک‌های فدایی خلق، شما چه ویژگی‌ها و چه تفاوت‌های میان حرکت‌های امروز دانشجویان و آن زمان می‌بینید؟

● فریدون احمدی: بله درست است، من جزو رهبری سازمان پیشگام در آن زمان بودم و اتفاقاً جزو سازمان‌دهندگان مقاومت سراسری دانشجویان در مقابل اولین یورش یک استبداد دینی در حال تثبیت. اگر اشتباه نکنم آن زمان آقای زیباکلام جزو ستاد انقلاب فرهنگی بودند. نخست در مورد ویژگی‌های وضعیت فعلی نسبت به قبل از آن، تفاوت‌ها جدی است، من فکر می‌کنم هم در جامعه هم در جنبش دانشجویی ما پارامترهای جدی جدیدی وارد عمل شده، و همین مسئله که یک حرکت کوچک صنفی به فاصله چند ساعت تبدیل می‌شود به یک تظاهرات سیاسی که خواست‌های بسیار رادیکال هم چون استقرار یک ساختار جدید سیاسی و علیه کلیت نظام را مطرح می‌شود، این یک وضعیت جدید است، جنبش دانشجویی هم نسبت به سال ۷۸ تفاوت اساسی کرده است که اکنون دیگر نگاهش به هیچ جناحی از حکومت نیست و امیدي به هیچ یک از جناح‌های حکومت ندارد. و همچنین در جامعه، ما با وجود یک حالت التهاب مواجه هستیم. با تمام تلاشی که از طرف نیروهای انتظامی و امنیتی انجام گرفت که دامنه این حرکت را هر چه محدودتر نگه دارند، دامنه‌اش گسترش پیدا کرد و مردم

به مناسبت بزرگداشت تولد «بابک خرم‌مدین» قهرمان ملی آذربایجان و مردم ایران!

ماشاءالله سلیمی

وزش نسیم اروپائی در ترکیه

تصویب اصلاحات تاریخی در مجلس این کشور

مجلس ملی ترکیه با در هم شکستن چند تابوی سیاسی دیگر گامی تاریخی در مسیر اتحادیه اروپا برداشت

علی بیگلر

مالکیت جماعات دینی می‌باشد ۱۸ ماه افزوده شد.

فراشمول بودن قوانین اتحادیه اروپا بر قوانین ملی ترکیه

با انجام تغییراتی در قانون اصول قضاه اداری گامی به پیش در باره احکام قطعی شده در دادگاه حقوق بشر اروپا برداشته شد. با این تغییرات راه فرجام‌خواهی و بررسی دوباره پرونده‌هایی که دادگاه حقوق بشر اروپا با حکم قطعی به ترکیه برمی‌گرداند در سیستم قضائی ترکیه باز می‌شود.

تضمین حق حیات نوزادان و نام خانوادگی کودکان محصول خارج از ازدواج

در قانون جزا مجازات قتل نوزاد توسط مادر با ساقط نجات شرافت خویش و قواعد اخلاقی از ۶ تا ۱۰ سال حبس به ۸ تا ۱۲ سال زندان افزایش یافت. همچنین بعد از این کودکان غیر مشروع نام خانوادگی مادران خود را خواهند داشت.

لغو تخفیف برای قتل‌های ناموسی

با قبول قانون جدید کاهش مجازات و تخفیفی که در مورد قتل‌های ناموسی و یا ناشی از رسومات (قتل افراد توسط شوهر برادر و یا خویشاوندان نزدیک در حین زنا و یا رابطه جنسی غیر مشروع) صورت می‌پذیرفت لغو شد. طبق قانون جدید اینگونه قتلها نیز مشمول «عامل عمومی تحریک‌کننده» بوده مانند جرائم دیگر ارزیابی خواهند شد. (طبق قانون قبلی قتل‌های ناموسی و یا رسوماتی به علت وجود عامل ویژه تحریک‌کننده به یک هشتم کاهش می‌یافت. اکنون حکم اعدام به حبس ابد و حکم حبس ابد به حبس ۲۴ ساله کاهش داده خواهد شد.

ممنوعیت صدور حکم اعدام و اجرای آن

همزمان با پاکت هماهنگی، کمیسیون روابط خارجی مجلس ترکیه «پروتکل لایحه قانونی در باره ضمیمه شماره ۶ قرارداد اروپایی حفظ حقوق بشر و آزادیهای انسانی دایر بر لغو مجازات اعدام» را قبول نمود. طبق بند اول این ضمیمه نمی‌توان کسی را به اعدام محکوم و یا اعدام نمود. (استثنای موجود در بند دوم پروتکل چنین است: هر دولت در مورد فعالیت‌هایی که در زمان جنگ و یا وجود تهدید قریب‌الوقوع جنگ، انجام شود می‌تواند مجازات اعدام را پیش‌بینی نماید. اینچنین مجازاتی منحصر در مواردی که در قانون مشخص گردیده‌اند قابل اجراء است. اینگونه دولتها می‌بایست حکم‌های قوانین مذکور را به دیر کل شورای اروپا تبلیغ نمایند.) این لایحه با انجام تغییراتی در «قوانین حقوق جزایی نظامی» و «قانون اصول تاسیس و قضاء دادگاه‌های نظامی» مجازات اعدام در قوانین نظامی که در قانون اساسی پیش‌بینی نشده‌اند را نیز لغو می‌نماید.

برگرفته از سایت اینترنتی اخبار روز

اصلاحات سیاسی تقدیر شده است. در همین گردهم‌آیی در اقدامی غیرمنتظره و برای نخستین بار یکی از اسناد رسمی اتحادیه اروپا متن پیشنهادی قانون اساسی اروپا به زبان ترکی انتشار یافت (متن رسمی اتحادیه اروپا فقط به زبانهای کشورهای عضو انتشار می‌یابد) و از ترکیه به همراه رومانی و بلغارستان برای شرکت در کنفرانس شکل‌دهی قانون اساسی اروپا دعوت به عمل آمد.

برخی از نوآوری‌های قانون جدید

آزادی تبلیغات تجزیه‌طلبانه
ماده هشتم قانون مبارزه با تروریسم که در مورد تبلیغات تجزیه‌طلبانه بود، لغو شد. پس از این، ابراز اندیشه‌های جدایی‌خواهانه در مورد مسئله قومی در ترکیه که جدیترین مشکل این کشور بشمار می‌رود آزاد خواهد بود. همچنین علاوه بر قضات به دادستانها نیز صلاحیت تیرنه و آزادسازی کسانی که بیشتر از ماده

محدود نمودن شمول تور

و تعریفی نو از گروه تروریستی قانون جدید تعریف نوی از ترور می‌کند. بنابه این تعریف از این پس تعابیر مبهمی مانند «فشار معنوی» عنصر اصلی در تعریف ترور نبوده و نمی‌تواند مبنای محکومیت فرد به جرم ترور قرار گیرد. فشار، ارعاب، تهدید، اجبار و ترساندن، تنها در صورتی که به شکل و همراه با کاربرد روشهای «خشونت‌آمیز» و «قهرآمیز» باشند جرم ترور شمرده می‌شوند. همچنین عبارت «هر نوع فعالیت» در ماده پیشین جای خود را به «هر نوع فعالیتی که جرم شناخته می‌شود» داد. بر این اساس فعالیت‌های قهرآمیزی که قانونا جرم شناخته نمی‌شوند بطور اتوماتیک نمی‌توانند ترور شناخته شوند. از «گروه» نیز تعریف جدیدی به شکل «تجمع دو نفر یا بیشتر از آن، با هدف اجرای جرم ترور که فوقا تعریف گردید...» ارائه شده است.

تنظیمات جدید در بخش

برنامه‌های رادو تلویزیونی به کردی
به منظور رفع تردیدها و جلوگیری از ایجاد انحصار علاوه بر رادو تلویزیون دولتی ترکیه، بخش برنامه‌های کردی از رادو و تلویزیونهای خصوصی نیز آزاد و بنیاد عالی رادو تلویزیون ترکیه، در عرض چهار ماه پس از تصویب این قانون موظف به تهیه آیین‌نامه‌های مربوط به انتشار و بازرسی این برنامه‌ها گردید.

رفع محدودیتها بر نامه‌های کردی

با انجام تغییراتی در ماده ۱۶ قانون ثبت احوال، محدودیت‌های موجود در مورد اسامی کردی لغو شد. بنابه قانون جدید تنها محدودیت باقی‌مانده در نامگذاری کودکان، «نام‌های مغایر با اصول اخلاقی و نام‌هایی که وجدان عمومی را آزرده می‌سازند» تعیین شده است.

خلع ید از شورای امنیت ملی در میزین

با انجام تغییراتی در قانون آثار سینمایی، ویدئو و موسیقی علاوه بر خارج شدن نماینده شورای امنیت ملی از نهاد میزین، آثار هنری مذکور از این پس تنها از زاویه سفارت با قانون اساسی مورد بررسی قرار خواهند گرفت.

تاسیس پرستگاه، کلیسا، کنیسه

مهلت اضافی به جماعات مذهبی

در استانها شهر ستانها و قصبه‌ها پس از کسب اجازه از بالاترین مقام مسلکی محل، تاسیس عبادتخانه‌ها آزاد اعلام گردید. این حکم با جایگزین کردن کلمه «پرستشگاه» به جای «مسجد» در قانون قبلی، راه تاسیس عبادتخانه‌های دیگر مانند کلیسا و کنیسه را نیز که قبلا با محدودیت‌هایی مواجه بود گشود. با افزودن شدن ماده جدیدی به قانون آبادانی، هنگام آماده‌نمودن طرح توسعه شهری احداث پرستشگاهها نیز پیش‌بینی خواهند شد. با انجام تغییراتی در قانون اوقاف به مهلت قانونی موجود برای ثبت اوقاف غیر منقولی که در

«ششمین پاکت هماهنگی» که در روند آماده‌ساختن ترکیه برای پیوستن به اتحادیه اروپا گامی بسیار بزرگ به شمار می‌رود با حمایت اکثریت قاطع آرای نمایندگان دو حزب حاکم و مخالفت در نشست عمومی مجلس ترکیه تصویب شد. این پاکت در عرصه‌های بسیار دارای نوآوری‌هایی است: آزادی بخش برنامه به زبانهای مادری از راديو تلویزیونهای خصوصی، رفع محدودیت در عرصه برنامه‌های راديو تلویزیونی و انتخاب نام‌های کردی، لغو ساده هشتم قانون مبارزه با تروریسم، محدود نمودن شمولیت فعالیت‌های تروریستی و ارائه تعریفی جدید و دمکراتیک از آن، پاکسازی قوانین و احکام مربوط به اعدام از قانون جزائی این کشور و تبدیل آنها به حبس ابد، پایان دادن به حضور نماینده شورای امنیت ملی این کشور در نهاد میزین آثار سینمایی، ویدئویی و موسیقایی، جایگزینی پرستشگاه به جای مسجد در قانون اعصار و آبادانی، شساختن مهلت اضافی برای ثبت اموال غیر منقول و قفی جماعات دینی - مذهبی....

جمیل چیچک وزیر عدالت و سخنگوی دولت ترکیه پس از قبول پاکت ششم هماهنگی در مجلس از تصویب این قوانین به شکل «پیشرفتی بسیار مهم در مبارزه ۱۶۴ ساله ترکیه برای معاصر شدن، همچنین در راه اتحادیه اروپا در حمایت از مبارزه برای بالابردن استانداردهای دمکراسی، گسترش عرصه‌های کاربرد حقوق و آزادیهای اساسی و حرکت به سوی ذهنیتی که در آن عنصر انسان‌محوری است» نام برد. با اینهمه وی تاکید نمود که «در مسیر دمکراتیزاسیون در ترکیه علاوه بر انجام اصلاحات قانونی در عرصه کاربرد حقوق و آزادیهای بنیادین، در عرصه اجرای این قوانین نیز موافقی وجود دارد. تغییر و اصلاح قوانین آسان است اما ذهنیت انسانها و جوامع یکروزه دگرگون نمی‌شود».

به دنبال تصویب قوانین مذکور اتحادیه اروپا طی صدور اعلامیه‌ای در بروکسل کوشش و اقدامات ترکیه را بسیار موثر توصیف نمود و رضایت خود را از تصویب آنها اعلام کرد. نماینده بخش ترکیه کمیسیون اروپا می‌گوید: «ما از کوشش ترکیه بسیار متاثر شدیم. ترکیه در راه مسائل بنیادینی مانند توسعه حقوق و آزادیها، انقلاب در سیستم قضائی و بهبود حقوق بشر تلاشهای بسیار جدی‌ای انجام می‌دهد و حکومت ترکیه نیز در مسیر پیوستن به اتحادیه اروپا گامهای بسیار مهمی برداشته است.» هانس یورگ کرمرچر اعلام نمود که «اروپا گامهای جدی‌ای را که حکومت ترکیه در این مسیر برداشته است با خشنودی شاهد بوده است. تصویب این قوانین در مجلس بی‌آنکه بیشتر به تأیید شورای امنیت ملی رسانیده شوند نشانگر آنست که دمکراسی در ترکیه نیز می‌تواند که از راه‌های معمول آن عمل نماید».

متعاقبا در اعلامیه پایانی گردهم‌آیی اتحادیه اروپا - کشورهای بالکان در شهر سلانیک یونان در پاراگراف اختصاص داده شده به ترکیه عزم و کوشش حکومت ترکیه برای انجام

مسیر برگزاری این مراسم از اهمیت ویژه‌ای برخوردار است.

از این رو ضمن ارج‌گذاری به عظمت کار برگزارکنندگان این مراسم صدها هزار نفری هشپاری و آمادگی هر چه بیشتر آنها را برای مقابله با حوادث غیرمترقبه و غیرقابل پیش‌بینی، آرزو می‌کنیم و انتظار این است که آنها بتوانند، مراسم را در مسیری هدایت کنند که سبب پیوستگی هر چه بیشتر این جنبش با جنبش سراسری مردم ایران برای استقرار جمهوری دمکراتیک فدرال گردد.

بیگانگان است» (نقل از تیروین). مگر غیر از این است که در کشور قبیله زده ما نه تنها تلاش می‌شود قهرمانان واقعی کشور ما از خاطره‌ها محو گردد، بلکه تقریباً فقط تولد الفاطمه‌ها، الزهراها، الحسین‌ها، علی‌اصغر‌ها، الزینب‌ها و علی‌اکبرها و... است که به طور رسمی و با صرف هزینه‌های گزاف از سوی حکومتیان برگزار می‌شود و نیز برای شناختن زوایای شخصیتی آنها، کنگره‌ها، کنفرانس و سیمینارهای رنگارنگ با شرکت شکم‌چرسان ریش و پشم‌دار از اقصی نقاط جهان نظیر بورکیوفاسو، عربستان، سوریه، لبنان و... با صرف میلیون‌ها دلار صرف می‌شود.

و امروزه گرچه از فوت این «شخصیت‌های بزرگ» بشریت بیش از ۱۳۰۰ سال می‌گذرد. اگر بخت برگشتن‌های در آن روز شادی کنند، و گزیمه‌های رژیم متوجه شود، بی شک دچار عقوبت الهیم می‌شود.

بزرگداشت تولد «بابک خرم‌مدین» یعنی بزرگداشت مبارزه علیه این همه بدعت‌های ارتجاعی ضد ملی.

۳- شرکت صدها هزار نفری هر ساله مردم در این قلعه، تقریباً سبب بوجود آمدن یک منطقه تقریباً آزادشده‌ای به مدت یک هفته می‌شود. طی این هفته در یک گوشه صدای دلنشین ساز و آواز عاشق‌ها و رقص جوانان اتم از دختر و پسر در گوشه دیگر شعرخوانی در جای دیگر سخنرانی به گوش می‌رسد. گوئی «بابک خرم‌مدین» نمایندگان امروزین خلفای عباسی را وادار کرده است که یک هفته نتوانند اوامر اربابان گریه وزاری و جهالت را اجرا کنند. و به همین «شادی» و از آن مهمتر «ابراز بیرونی شادی» از ویژگی بسیار برجسته این بزرگداشت می‌باشد و این آن چیزی که حکام گریه‌پرست و عبوس اسلامی را خوش نیاید.

۴- شرکت مردم از اقصی نقاط کشور (بوژه دانشجویان با ملیت‌های مختلف) در این مراسم

یک نوع هم‌بستگی و هم‌فکری بین خلق‌های مختلف ایران به وجود می‌آورد. تداوم این امر می‌تواند زمینه‌ساز اتحاد محکم‌تر خلق‌های ایران در راه آزادی از قید حکام مستبد گردد. در عین حال ضروری است از رشد به شدت منفی و زیانبار یک پدیده در این مراسم نام برد و آن این که هر سال محافل سع می‌کنند زیر نام بزرگداشت تولد «بابک خرم‌مدین» تخم کین و نفرت را در بین ملت‌های مختلف ایران، بوژه ملت آذربایجان و ملت فارس دامن بزنند. به عنوان مثال در مراسم پارماط حدودا یک جمعیت ۱۰۰ نفری ضمن نشان دادن علامت «بوسوزقور» یعنی گرگ خاکستری با دست‌هایشان، آوای گرگ را سر داده بودند ک گرچه آذربایجان ایران، هرگز سمبلی خاص نبوده، اما همه ما واقف هستیم که «بوزقور» یا همان گرگ خاکستری علامت گروهی از ترسک‌های ترکیه است ک چندین فرقی با فاشیت‌ها ندارند و در خود ترکیه نیز مورد تفرق‌اند اکثریت مطلق جامعه هستند. و جنایات و پلیدی‌های آن‌ها زیان‌ده خاص و عام است.

انتظار از برگزارکنندگان این بزرگداشت این است که با هوشیاری و احساس مسئولیت بیشتر نسبت به این گونه پدیده‌ها حساس باشند تا بتوانند حد تاثیر چنین برخوردهایی را کم‌رنگ‌تر کنند.

بگذار با بزرگداشت تولد قهرمان ملی و تاریخی‌مان، هم‌چنان مسنای بی‌هیزیتی، خوشبختی و آزادی همه ملیت‌های شورمان باشیم و با هم و درکنار هم با برپایی جمهوری دموکراتیک فدرال که در آن حقوق همه ملیت‌ها به رسمیت شناخته خواهد شد، شرکت جویم.

برگزاری مراسم بزرگداشت «بابک خرم‌مدین»، امسال در شرایط کاملا خودویره‌ای صورت می‌گیرد.

دانشجویان و مردم کشور ما در بسیاری از شهرهای ایران ۱۰ روز متوالی علیه رژیم جمهوری اسلامی بپا خواستند. امروز علی‌رغم ایجاد آرامش نسبی در اثر زور سرنیزه و زنجیر و گلوله نیروی انتظامی و بوژه انتصار حزب‌الله، جامعه ما بآستن حوادث جدی است، در این

در آستانه برگزاری جشن بزرگداشت تولد «بابک خرم‌مدین» قهرمان ملی آذربایجان و مردم ایران که بیش از ۲۰ سال تمام مبارزه مردم آذربایجان را علیه استیلاي خلفای عباسی (۸۱۵ تا ۸۳۷) در قلعه «بذ» واقع در نزدیکی کلپیر، رهبری کرد قرار داریم. (این مراسم از ۷ تیر تا ۱۴ تیر ماه برگزار خواهد شد).

امسال نیز مثل هر سال مردم از اطراف و اکناف ایران و بوژه مجموعه آذربایجان خود را برای بزرگداشت قهرمان ملی خویش آماده می‌نمایند.

تجمع صدها هزار نفری مردم و سرودها و شعارهای آن‌ها که عمدتاً دارای مضامین رفع ستم ملی و ضد حکومتی هستند، نمایندگان امروزین خلفای عباسی یعنی مامون و معتصم را که تحت نام جمهوری اسلامی بر کشور ما حکمرانی می‌کنند، مثل هر سال به واکنش پرخاشگرانه واداشته است.

این روزها مطبوعات رژیم، بوژه روزنامه جمهوری اسلامی و نیز آیت‌الله‌های ریز و درشت به سم‌پاشی‌های خویش علیه این قهرمان بزرگ تاریخ کشور شدت بیشتری بخشیده‌اند.

علاوه بر این طبق اخبار واصله مقام‌های امنیتی منطقه برای جلوگیری از برگزاری هر چه باشکوه‌تر آن، به همه آژانس‌های مسافرتی دستور داده‌اند که از تاریخ ۱۳۸۲/۴/۱۰ حق برقراری سرویس‌های مسافرتی به این منطقه را ندادند.

راستی چرا رژیم جمهوری اسلامی از بزرگداشت قهرمان ملی کشورمان که نزدیک به ۱۲ قرن پیش می‌زیسته این همه واژه دارد؟ و با تمام قوا سعی دارد جلوی آن را بگیرد. (نهادهای محلی وابسته به حکومت تصادفاً از این قاعده مستثنی هستند).

سعی می‌شود به برخی از مهمترین این دلایل پرداخته شود:

۱- بابک خرم‌مدین از همان جوانی در هرانی و نیز تحت رهبری جوانشیر بنیانگذار و رهبر جنبش آزادی‌خواهانه مردم آذربایجان علیه استیلاي خلفای مسلمان عرب به پاخواست و بعد از کشته‌شدن جوانشیر جانشین وی گشت و رهبری جنبش «خرم‌مدینان» یا «سرخ‌جامگان» را به دست گرفت و از این پس تا روز کشته‌شدنش پرچمدار مبارزه علیه استیلاي خلفای عباسی در راه آزادی، استقلال و عدالت بود. علاوه بر این خرم‌مدینان و یا سرخ‌جامگان با نامیدن خویش به این نام مبارزه فرهنگی‌ای را شروع کردند که نسبت به فرهنگ باستانی مردم کشورمان در بسیاری جهات عقب‌مانده بود.

در فرهنگ حاکم‌شده جدید، خلیفه حاکم بر مال و جان مردم کشورمان بود و از آنجا که خلفا نمایندگان خدا در روی زمین بودند، اعتراض به خلفا و مبارزه علیه ظلم و ستم آن‌ها به مثابه «محاربه با خدا» محسوب می‌شد.

بابک خرم‌مدین در آن سکوت مرگبار، پرچم مبارزه را برافراشته نگاه‌داشته و مبارزه مردم علیه نظم ارتجاعی مستقرشده را رهبری کرد. مگر غیر از این آست ک امروز نیز در قانون اساسی، مبارزه علیه جمهوری به معنای محاربه با خداست. از این رو بزرگداشت «بابک خرم‌مدین» یعنی ارج‌گذاری به مبارزه‌ای است که هم اینک در کشور ما علیه حاکمیت فقها جریان دارد و این بزرگداشت اراده مردم کشور ما را جهت تعویض رژیم محکمتر می‌کند.

۲- مبارزه «بابک خرم‌مدین» برای نجات آذربایجان و ایران از استیلاي خلفای عباسی الهام‌دهنده مبارزه کسانی است که می‌خواهند به ستم‌های مضاعف ملی پایان داده شود. نگاهی بر برخی شعارهای مطرح شده در تجمع صدها هزار نفری در سال گذشته بهترین دلیل اثبات این امر است.

«ای بابک از دست خلفای زمانه به تو پناه آورده‌ایم» (ترجمه از نواز ویدئویی)، «حقوق بشر را محترم شمارید»، «مردم برای پاسداری از حقوق ملی و انسانی به اعتراض علیه استبداد و دیکتاتوری به پا خواسته‌اند» و «ملتی که قهرمانانش را فراموش کند، محکوم به سوگری

ارکان مرکزی
سازمان فدائیان خلق ایران (اکثریت)
دو هفته یکبار در روزهای چهارشنبه منتشر می‌شود

زیر نظر شورای سردبیری

سردبیر

فریدون احمدی

شورای سردبیری

داراب شکیب

محمود صالحی

کد

چهارشنبه ۴ تیر ۱۳۸۲ - ۲۵ ژوئن ۲۰۰۳ دوره سوم - شماره ۳۰۵
KAR - No. 305 Wednesday 25. Jun. 2003
G 21170 D

http://www.fadai.org
kar-aksaryat@gmx.de

آدرس کار در اینترنت:
آدرس پست الکترونیک:

شماره ناکی: Fax: 0049 - 221 - 331 82 90

شماره پیامگیر: 0049 - 221 - 9322136

تک فروشی: ۲/۲ یورو
بهای اشتراک: شش ماهه ۳۰ یورو؛ یک ساله ۶۰ یورو

Verleger: I.G.e.v

دارنده حساب: I.G.e.v آدرس: I.G.e.v
شماره حساب: 22 44 20 32
کد بانک: 37 05 01 98
نام بانک: Stadtsparkasse Köln
Postfach 260268
50515 Köln
Germany

فرم درخواست اشتراک

اشتراک جدید □ تمدید اشتراک □ شماره اشتراک:

مدت اشتراک: شش ماهه □ یک ساله □ تاریخ:

Name: نام:
Address: نشانی:
فرم را همراه با بهای اشتراک (حواله بانکی یا نمبر)
به آدرس یست کنید!

استرازی سولانا

خاویر سولانا، رئیس بخش سیاست خارجی اتحادیه اروپا طرح استراتژیکی با نام «اروپای مطمئن در دنیایی بهتر» را تهیه و به نشست سران ارائه داد.

سولانا در این طرح ۴ خطری که امنیت اروپا و جهان را تهدید می کند به تصویر می کشد:

- تروریسم بین المللی؛
- سلاح های کشتار جمعی؛
- فروپاشی دولت ها؛
- فقر فزاینده و رواج بیماری های مثل ایدز و مالاریا.

سولانا معتقد است برای مقابله با خطرات آینده باید اولین «خطوط دفاعی» در خارج از مرزهای اروپا استقرار یابند و در مورد بحران ها باید سیاست «پیشگیرانه» اعمال گردد. او اهداف استراتژیکی اروپا را اینگونه ترسیم می کند:

- به نفع اروپاست که دولت های خوب و با ثبات در همجواری مرزهایش وجود داشته باشند.
- به نفع اروپاست که سازمان های بین المللی مانند سازمان ملل، سازمان امنیت و همکاری اروپا (OSZE)، سازمان تجارت جهانی (WTO) و تریبونال بین المللی تقویت شوند و همکاری با آسه آن (در آسیا) و مرکز زور (آمریکای لاتین) گسترش یابد.



پیش نویس قانون اساسی

پس از ۱۶ ماه بحث و بررسی در مجمع تدوین قانون اساسی که نمایندگان ۲۸ کشور در آن حضور داشتند، پیش نویس آن تهیه و توسط رئیس مجمع «والری ژسکار دستن» به نشست سران ارائه شد. در صورت تصویب این سند تغییرات ساختاری عمده ای در تشکیلات اتحادیه اروپا صورت می گیرد که در آن بجای ریاست دوره ای یک رئیس تمام وقت و یک وزیر امور خارجه پیش بینی شده است.

این پیش نویس در ماه اکتبر سال جاری در کنفرانس دولت های اتحادیه بررسی خواهد شد و در بهار آینده پس از آنکه ده عضو جدید در روز اول ماه مه به اتحادیه پیوستند، مراحل نهایی خود را طی خواهد کرد و به امضا خواهد رسید.

کاستاس سیمیتیس تصویب پیش نویس توسط سران اتحادیه اروپا را مهم ارزیابی کرده و از این روز بعنوان روز یکپارچگی اتحادیه اروپا نام برد.

اجلاس سران اتحادیه اروپا برگزار شد آخرین اجلاس از این نوع!

محمود صالحی

گذرنامه های جدید برای شهروندان اروپایی بطور ضمنی موافقت کردند. در پاسپورت های جدید اروپایی تمامی مشخصات «بیومتریک» شهروندان ضبط خواهد شد.

در این نشست پیشنهاد انگلیس برای ایجاد اردوگاه پناهندگی در خارج از مرزهای اروپا مورد پذیرش قرار نگرفت. وزیر خارجه یونان



زده شده است. «پایانده رو» این پیشنهاد را ایجاد «بازداشتگاه» نامید و نخست وزیر یونان گفت از آنجایی که میزان موالید در اروپا رو به کاهش دارد ما به پذیرش مهاجرین نیازمندیم.

راستاهای اجلاس

مسئله مهاجرت غیر قانونی

در نشست سران اتحادیه اروپا تصمیم گرفته شد تا آخر سال جاری یکسان سازی نرم جکای پذیرش مهاجر و پناهندگی در کشورهای عضو صورت گیرد.

همچنین توافقاتی در مورد ایجاد یک مخزن اطلاعاتی مشترک (VIS) که با میخزن اطلاعاتی شننگن (SIS) نیز در ارتباط است برای صدور ویزا صورت گرفت. سالانه ۱۲ میلیون درخواست ویزا برای اروپای غربی صورت می گیرد و هزینه ایجاد مخزن اطلاعاتی اروپا بین ۱۶۰ تا ۲۴۰ میلیون یورو تخمین

و ناوجه های جنگی حفظ امنیت این اجلاس را بر عهده داشتند. همزمان با برگزاری اجلاس بنا به دعوت دهها سازمان سیاسی و اجتماعی از یونان، انگلستان، فرانسه، آلمان، ایتالیا، اسپانیا و سایر کشورهای اروپایی تظاهرات وسیعی با حضور دهها هزار نفر در مرکز شهر تسالونیک برگزار شد و تظاهرکنندگان مخالفت خود را با جهانی شدن و سیاست های اقتصادی و اجتماعی این اتحادیه ابراز کردند.

نشست سران اتحادیه اروپا که به ریاست دوره ای کاستاس سیمیتیس نخست وزیر یونان تشکیل شد آخرین اجلاس از این نوع است و از این به بعد نشست سران در بروکسل برگزار خواهد شد.

با ورود ۱۰ عضو جدید به اتحادیه اروپا، ریاست دوره ای که هر شش ماه یکبار به یک کشور تعلق می گیرد دیگر بی معنی می شود، زیرا هر کشور ۱۳ سال باید در نوبت بماند تا در دور بعد ریاست را به عهده بگیرد.

کشور	درآمد سرانه (یورو)	میزان بیکاری (درصد)	جمعیت (میلیون)
استند	۹۸۰۰	۱۲/۴	۱/۴
لندن	۷۷۰۰	۱۳/۱	۲/۴
لیتوانی	۸۷۰۰	۱۶/۵	۳/۷
جمهوری چک	۱۳۳۰۰	۸	۱۰/۳
لهستان	۹۲۰۰	۱۸/۴	۳۸/۶
اسلواکی	۱۱۱۰۰	۱۹/۴	۵/۴
مجارستان	۱۱۹۰۰	۵/۷	۱۰
اسلوانی	۱۶۰۰۰	۵/۷	۲
مالتا	۱۲۶۰۰	۵	۰/۴
فریس	۱۸۵۰۰	۴	۰/۸

چک سفید برای رحمانف!

فرانسه دوم نیز مثل سایر جمهوری های آسیای میانه بیش از ۹۰ درصد رای خواهد آورد و تاجیکستان نیز دارای رئیس جمهور «مادام العسر» خواهد شد. لازم به ذکر است که نمایندگی سازمان ملل و نیز همکاری امنیت و همکاری اروپا اعلام کردند که «به دلیل دعوت دیر هنگام» بر این همه پرسی نظارت نمی کنند.

تاجیکستان جزو ۲۰ کشور فقیرترین جهان است. ۸۰ درصد مردم زیر خط فقر زندگی می کنند. یک میلیون نفر (یک ششم جمعیت آن) وابسته به برنامه کمک غذایی سازمان ملل هستند و ۵۰ درصد کودکان تاجیکستان از سوء تغذیه رنج می برند. بودجه دولتی آن نسبت به سال ۱۹۹۰ به یک دهم رسیده است.

تاجیکستان دارای ۱۵۰۰ کیلومتر مرز مشترک با افغانستان است و تقریباً ۸۵ درصد قاچاق مواد مخدر آسیای میانه از طریق این کشور صورت می پذیرد. تنها در سال گذشته بیش از ۷ تن مواد مخدر به ارزش ۱/۴ میلیارد دلار ضبط شده است.

این روزها اعلامیه ای به امضای «فرماندهان اپوزیسیون متحد» در شهر دوشنبه پایتخت تاجیکستان پخش و در آن به نمایندگان مجلس هشدار داده شده است. در این اعلامیه آمده است: ما می دانیم که اگر این بار هم شما رحمانف را به ریاست جمهوری تعیین کنید، فرزندان ما آینده ای نخواهند داشت... آدرس محل سکونت شما در اختیار ما است.

این اعلامیه هنگام بررسی طرح تغییر قانون اساسی در مورد انتخابات ریاست جمهوری در سطح شهر دوشنبه پخش گردید.

با تائید لایحه تغییر قانون اساسی توسط مجلس تاجیکستان، روز یکشنبه گذشته طرح تغییر قانون اساسی برای انتخاب مجدد امامعلی رحمانف به ریاست جمهوری برای سال ۲۰۰۶ به فرانسه و گذارنده شد که هنوز نتیجه این فرآیند مشخص نشده است.

علاوه بر آن بر ۵۶ ماده از مواد قانون اساسی نیز اصلاحاتی وارد خواهد شد.

ناظران سیاسی معتقدند این

«عراق گیت» در فنلاند

پروتکل محرمانه دولتی در مبارزه انتخاباتی» را مورد پی گیری قرار داد. پلیس فنلاند پس از بازداشت «مارتی مانینن» که در نخست وزیر یاری کار می کند و عضو حزب مرکز است، وی را مسؤول «درز» پروتکل محرمانه دولتی به بیرون معرفی کرد.

خانم یتن مکی روز چهارشنبه گذشته با حضور در مجلس با تاکید بر بی گناهی اش از موضوع اظهار بی اطلاعی کرد. اما پس از اینکه مانینن اعلام کرد خانم یتن مکی او را مجبور به بیرون بردن پروتکل های محرمانه از نخست وزیر یاری نموده است، دولت یتن مکی طبق قانون اساسی فنلاند پس از ۶۳ روز مجبور به استعفا شد.

بنظر می رسد پس از سقوط دولت خانم یتن مکی که به «عراق گیت» معروف شد، دولت آینده در هلستیکتی از ائتلاف حزب سوسیال دمکرات، حزب خلق سوئدی ها و حزب مرکز تشکیل شود.

در روز ۱۶ مارس حزب مرکز به رهبری خانم «آنلی یتن مکی» در انتخابات با اختلاف ۰/۲ درصد در مقابل حزب سوسیال دمکرات به رهبری «پااو لیپونن» به پیروزی رسید و به مقام نخست وزیر یاری فنلاند دست یافت.

افکار عمومی فنلاند در هنگام جنگ آمریکا با عراق مخالف جنگ بود و خانم یتن مکی در سخنرانی های انتخاباتی اش دولت لیپونن را متهم به همکاری با «محرور جنگ» جرج بوش و تونی بلر می کرد.

خانم یتن مکی برای اثبات ادعایش از پروتکل محرمانه مذاکره تلفنی جرج بوش و لیپونن که در آن جرج بوش از حضور دولت فنلاند در مبارزه علیه تروریسم تشکر می کرد، نقل قول می کرد.

بنا به اظهار لیپونن، پروتکل مذاکره مربوط به به بعد از ۱۱ سپتامبر بود. با این حال دادستان کل فنلاند موضوع «نقل قول از

در عراق چه می گذرد؟



درگیری های نظامی که قبلاً «پراکنده» توصیف می شدند، است. اکنون به نظر می رسد که حملات نظامی به نیروهای آمریکایی سازمان دهی شده هستند و شکل پارتیزانی بخود گرفته اند. برای نخستین بار پس از پایان جنگ طی چند روز گذشته ارتش آمریکا دوباره دست به دو عملیات وسیع نظامی زد و در آن طبق گزارشات رسمی جمعاً ۹۰ نفر کشته شدند.

نیویورک تایمز در مقاله ای بنام «جنگ جدید» فهرست حملات به نیروهای آمریکایی و تلفات ناشی از آن را انتشار داده و می نویسد: این جنگ نه ماهها، بلکه سالها طول خواهد کشید.

زمزمه هایی نیز از سوی رهبران کرد شنیده می شود که دیگر نمی توانند «وفاداری» نیروهایشان به آمریکا را تامین نمایند. «نیوزویک» به نقل از یک مقام ارتش آمریکا نوشت: کردها فقط برای دوران جنگ «اجاره» شده بودند و اکنون ارتش آمریکا در مناطق کردنشین نیز تهدید می شود.

پس از پیروزی برق آسیای نظامی ایالات متحده در عراق، برخلاف افغانستان که دولت انتقالی کرزای سرعت قدرت را بدست گرفت، هنوز عراق ناآرام است. شرایط زندگی مردم فاجعه بار و وضعیت سیاسی در آن مبهم است.

ژنرال سابق «جی گارنر» که قرار بود قدرت را در دوران انتقالی بدست بگیرد و ساختار جدید سیاسی عراق را سر و سامان دهد، تنها سه هفته دوام